



انترناسیونال

۲۱۳

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۰ مهر ۱۳۸۶، ۱۲ اکتبر ۲۰۰۷

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سرمدبیر: محسن ابراهیمی

صفحه ۱۱

روز جهانی مبارزه علیه اعدام بیاد ماندنی شد

صفحه ۷

جهانی دیگر باید ساخت، گزارش روز جهانی کودک در تهران



دانشجویان دانشگاه تهران با فریاد "مرگ بر دیکتاتور" به استقبال احمدی نژاد رفتند!



در روز جهانی کودک اعلام شد: "کودکان مقدمند"



ستون اول

محسن ابراهیمی

فریاد محکومیت مجازات اعدام بر فراز جهان

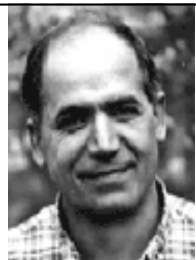


مینا احدی

هفته ما هفته انسانیت در مقابل بربریت

این شماره انترناسیونال در انتهای هفته ای منتشر میشود که میتوان گفت هفته بشریت متمدن در مقابل ارتجاع لجام گسیخته نظم نوین جهانی و جنبش اسلامی بود.

به خاطر دارید که ۱۸ سال پیش، در سال ۱۹۸۹، کمپ مرتجع سرمایه داری جهانی در رقابت با بلوک سرمایه داری دولتی شوری پیروز شد و تلاش کرد این اتفاق را پیروزی سرمایه داری علیه سوسیالیسم قلمداد کند. ابلهانه تصور کردند تاریخ منجمد شد؛ تلاش انسان برای تغییر به پایان رسید؛ و مردم جهان قبول کردند که دیگر نه تغییری در کار است و نه آلترناتیوی. باید با همین وضع موجود راه آمد و ساخت و سوخت. باید با سرکوب و اعدام و فقر و بیحقوقی و کودک آزاری و خفقان سیاسی و یکه تازی



اصغر کریمی

درس بزرگ اعتصاب نیشکر هفت تپه

کارگری بزرگ بود و حاوی درس های مهمی برای طبقه کارگر است. صفحه ۳

امروز ۱۰ اکتبر است. روز جهانی علیه اعدام. در این روز نگاهها یکبار دیگر بسوی جنبه ای از بربریت و سیاهی در زندگی بشر امروز میچرخد! قتل عمد دولتی. در قرن بیست و یک، کماکان در سلولهای مرگ دولتهای دیکتاتور و فاشیست و یا دولتهای "دمکرات" تعداد زیادی محکومین به اعدام نشسته اند.

صفحه ۵

پاسخ محکم کارگران و مردم به سیاست سرکوب



محمد آسنگران

جمهوری اسلامی رژیم است که از روز سرکار آمدنش تا کنون قتل و کشتار مخالفین را با سبعیت تمام ادامه داده است. جمهوری اسلامی فقط با قدرت سرکوب و اسلحه و گله آخوند و حزب الله توانسته است سرکار بماند. اما در چند سال گذشته قدم به قدم این رژیم ناچار به عقب نشینی شده و تعادل قوا به نفع مردم تغییر کرده است. اکنون اوضاع سیاسی چنان عوض شده است که سران رژیم اسلامی رسماً اعلام کرده اند که زندانیان سیاسی

صفحه ۶

پوپولیسم چیست؟

از میان سئوالات
جلسات هفتگی
حمید تقوائی

صفحه ۹

صفحه ۲

"صلح چقدر قشنگه زندگی رنگارنگه" مراسم روز جهانی کودک در پیرانشهر

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ستون اول

از صفحه ۱

مذهب ساخت و سوخت. توقع داشتند که مردم دنیا در سکوت، در حیرت و بیستفاهتی منتظر باشند تا ببینند سروران نظم نوین و سرکردگان جنبش اسلامی چه آشی برایشان خواهند پخت. میتوان نیروی برابری و آزادی و انسانیت را به عقب راند اما نمیتوان این نیرو را به سکوت ابدی وادار کرد. مدت‌هاست که تعرض ارتجاع جهانی با موج برگشت روبرو شده است. مدت‌هاست که آزادیخواهی و برابری طلبی سر بلند کرده است. و هفته گذشته، هفته نمایش باشکوه انسانیت در مقابل بربریت بود. فقط در همین هفته، اتفاقاتی رخ دادند که هر کدام نمونه زنده ای بود از تعرض متقابل بر علیه سرمایه داری جهانی توسط بشریتی که نه میخواهد و نه میتواند به خفت و حقارت و فلاکت و اختناق و تبعیض تن دهد.

۱. مبارزه علیه اعدام یک گام بلند برداشت!

اعدام، این میراث شرم آور قرون گذشته، این جنایت سازمان یافته طبقات حاکم علیه مردم، این جنایت دولتی علیه انسان، با یک اعتراض جهانی مواجه شد. حکومت‌هایی که جان انسانها را میگیرند منفورتر و مفتضحتر شدند. به یمن تلاشهای گسترده حزب کمونیست کارگری، کمپین بین المللی علیه اعدام و همه مخالفین مجازات اعدام، مردم جهان با دیدن تصاویر غم انگیز طناب دار بر گردن قربانیان حکومت اسلامی متوجه شدند که در گوشه ای از این جهان، نمایندگان توحش سرمایه و مذهب و اسلام در روز روشن و در مقابل چشمان مردم، حتی در مقابل چشمان کودکان جان انسانها را میگیرند. در روز جهانی علیه اعدام، جنبش جهانی علیه اعدام یک گام بلند به پیش برداشت و جمهوری اسلامی، یکی از سردهستان اصلی قتل عمد دولتی در میان مردم جهان منفورتر و بی آبروتر شد.

۲- اعلام شد که کودکان مقدمند!

کودکان بی دفاعترین قربانیان نظام سرمایه داری جهانی هستند. نظام سرمایه داری عامل اصلی تعرض به

جسم و جان کودکان است. کودکانی که شبها را در انتظار جوخه های اعدام زیر پلهای ریودوژانیرو در برزیل بسر میبرند؛ کودکانی که توسط جوخه های آدمکشی مثل "ارتش رستاخیز خدا" در آفریقا از بغل مادران و پدرانشان ربوده میشوند و به زور در صف جوخه های اعدام این فرقه های آدمکش قرار میگیرند؛ کودکانی که در خود ایران تحت پوشش قوانین ضد کودک حکومت اسلامی مورد آزار و اذیت دائم هستند و حتی تحت این قوانین به اعدام محکوم میشوند؛ کودکانی که فقط به خاطر متولد شدن در خانواده های فقیر کارگری از اولیبه ترین امکانات تغذیه و بهداشت و امنیت محروم هستند و به جای بازی و مدرسه و آموزش، کمرشان زیر کارهای طاقت فرسا خم میشود؛ کودکانی که زیر حکومت مافیایی-اسلامی طالبان حتی از هوا کردن بادبادک محروم میشوند؛ کودکانی که به جای درس و کتاب و بازی، در معادن و کوره های آجپزی و زیر دار قالی پر میروشند؛ کودکانی که به جای موزیک و رقص و آواز و شادی و شکوفایی خلاقیت‌هایشان، در کابوس بمبهای نظم نوین و عملیات انتحاری فرقه های اسلامی شب را به صبح میرسانند؛ ... آری این کودکان را باید از زیر دست و پای طبقات حاکم نجات داد. در روز جهانی کودک، در ایران اختناق زده، مردم طرفدار حقوق کودکان همراه با کودکان به خیابانها ریختند و در مقابل سرمایه و نظم نوین و اسلام و جنبش اسلامی با صدای بلند اعلام کردند: کودکان شایسته زندگی انسانید؛ کودکان مقدمند؛ کودکان بر هر مصلحت سیاسی، اجتماعی، مذهبی و قومی مقدمند؛ هیچ منفعتی نباید نمیتواند در مقابل حق کودکان برای یک زندگی شاد و امن و انسانی مانع ایجاد کند! (به گزارشهای حزب کمونیست کارگری در همین شماره توجه کنید).

۳- دیکتاتوری اسلامی علنا به مصاف کشیده شد!

چند هفته پیش، نماینده ای مرتجع از یک حکومت مرتجع (احمدی نژاد) به آمریکا رفت تا لاشخور اسلامی را به عنوان نماینده مظلومیت "ملل شرق" به مردم جهان قالب کند. ایشان با وقاحت بی

نظیری در مقابل دانشجویان دانشگاه کلمبیا اعلام کرد که "آزادی در ایران اگر بی نظیر نباشد، کم نظیر است". اما همین هفته، کشور آزادیهای کم نظیر، به میدان تقابل دانشجویان آزادیخواه و رئیس جمهور اختناق تبدیل شد. چماقداران مسلح حکومت اسلامی مجبور شدند بزور اسلحه رئیس جمهورشان را از چنگ دانشجویان نجات دادند. دانشجویان با شعار "مرگ بر دیکتاتور" از احمدی نژاد استقبال کردند و اعلام کردند که حتی تصور این را هم نباید بکنند که میتوانند جامعه را به سالهای اختناق شصت برگردانند. یک بار دیگر جنبش سرنگونی در دانشگاه قد علم کرد. یکبار دیگر رادیکالیسم سیاسی علیه حکومت اسلامی سر بلند کرد.

۴- اعتصاب کارگران پیروز شد!

همزمان با جمعاعات جهانی علیه اعدام، همزمان با نمایش باشکوه برای حقوق کودکان در تهران و شهرهای کردستان، همزمان با شعار "مرگ بر دیکتاتور" در دانشگاه تهران، کارگران نیشکر هفت تپه در خوزستان اعتصاب قدرتمندی را پیش بردند. توانستند سرکوب و تهدید و حقه بازی و همه تاکتیکهای جمهوری اسلامی سرمایه را پشت سر بگذارند و بخشی از حقوقشان را از حقوق سرمایه داران و حکومت اسلامی بیرون بکشند و به سرمایه داران و حکومت اسلامی اولتیماتوم دادند که اگر بقیه خواستههایشان برآورد نشود بزودی و مجددا به سراغش خواهند رفت. کارگران هفت تپه، با قدرت رو در روی سرمایه و حکومت اسلامی اش ایستادند. (در مورد اهمیت و درسهای این اعتصاب موفق کارگری در همین شماره مقاله ای به قلم اصغر کریمی چاپ شده است).

از اعتراض علیه اعدام در سطح جهان تا مبارزه کارگران در ایران، از فریاد "مرگ بر دیکتاتور" در تهران تا فریاد زنده باد حقوق کودکان در سنجند و تهران و کامیاران و پیرانشهر، همه نشانگر اینست که نیروی انسانیت، نیروی آزادی و برابری در مقابل نیروی توحش و اختناق و تبعیض به حرکت در آمده است. همه نشانگر اینست که انسانیت در مقابل بربریت قد علم کرده است.*

"صلح چقدر قشنگه زندگی رنگارنگه"

مراسم روز جهانی کودک در پیرانشهر

مسیر راهپیمایی کودکان مرتب شعارهایی را تکرار می کردند که آن هم بدین مضمون بود "آهای آهای خبرهاست روز جهانی ماست، ما کودکان خوشحالیم به روز خود می بالیم". این شعارها که به کرات تکرار میشد برای همه شرکت کنندگان هیجان انگیز بود. کودکان مرتب این شعار را تکرار میکردند "یک شکوفه هدیه به دوستان ما"، "صلح چقدر قشنگه زندگی رنگارنگه"، "بچه ها دوست ندارن جایی باشن که جنگه، تو دنیای بچه ها تفنگها بی فشنگه"

بعد از رسیدن به محل اجرای مراسم، برنامه های زیبا و متنوعی توسط خود کودکان اجرا شد. فضا کاملاً کودکانه و عاری از هر نوع دخالت بزرگان بود. مراسم عبارت بود از: بازی شاد کودکان و اجرای سرود شعر و قرائت قطعه نامه ای که زیبایی مراسم را دوچندان کرده و به شور و شوق حاضرین افزوده بود. متن قطعه نامه در ذیل نوشته شده است. سپس برنامه با نقاشی و کاردستی کودکان و جشن بادبادکها و صندوق آرزوها ادامه یافت. برنامه با پذیرایی از کودکان و موسیقیهای کودکانه همراه بود.

امروز ۱۶ مهرماه ۸۶ مراسم روز جهانی کودک از ساعت ۹ صبح شروع شد و کودکان مهدکودکهای افق - آذین و کیمیا و کانون پرورش فکری کودکان توسط مینی بوسهایی به میدان استقلال هدایت شدند. همه کودکان لباسهای رنگی به تن کرده بودند و سروصورت آنان با اشکال زیبایی مثل زنبور و مورچه و گریه و موش و... نقاشی شده بود و شکلکهای صورتشان بر اشتیاق و شور و شوق آنها افزوده بود. بالغ بر دوست نافر در میدان استقلال همراه با کودکان جمع شده بودند تا این روز را هرچه باشکوهتر جشن بگیرند. پلاکاردهایی را که کودکان همراه داشتند بدین مضمون بود: "رسیدگی به وضعیت کودکان خیابانی فوری، صلح آری - جنگ نه، کودکان مقدمند (... در جلوی صف راهپیمایی پارچه ای را که روی آن "کودکان مقدمند" نوشته شده بود به زیبایی هرچه بیشتر این مراسم افزوده بود. پلاکاردهای زیادی هم با این عنوان و عنوانهای مختلف در دست کودکان بود. راهپیمایی از میدان استقلال شروع شد و به میدان آزادی شرقی تا پارک خیام (محل اجرای مراسم) ادامه داشت در طول

قطعه نامه

روز جهانی کودک پیرانشهر

جهان بنا گوشمان، جهانی که ما در آن می زییم، جهانی آکنده از نامهربانی و پرسمیت شناختن حقوق انسانی و اجتماعی انسان است. جهانی وارونه که در آن هیچ چیز سر جای خود نیست و حقوق اساسی بشر و منزلت و ارزش انسان در پیوند با معیارهای امروز جامعه بشری نیست. آری شالوده این جهان که میبایست بنیانش بر آزادی و عدالت و صلح جهانی و به رسمیت شناختن منزلت ذاتی و حقوق مساوی و غیرقابل انکار همه اعضای بشری باشد، بشدت لرزان است و قطعاً در این بین بیشترین عارضه متوجه

آسیب پذیرترین قشر جامعه یعنی کودکان می گردد. کودکی که امروز نه خانواده نه جامعه آن رسالت تاریخی خود را برای پرورش اصولی علمی و انسانی وی به انجام نرسانیده و در بیشتر جوامع بشری از بی حقوقی کامل و عذاب جسمی و روانی بشدت در رنج است. امن ترین پناهگاهها برای او تبدیل به میدان هجوم و تعرض به جسم و جان و شخصیت و منزلت اجتماعی و انسانی وی گردیده است. کودکی که حتی قادر به اعلام موجودیت و قد علم کردن

از صفحه ۱

درس بزرگ اعتصاب ...

کارگران نیشکر خود در جریان این اعتصاب درس های زیادی آموختند و بسیار پخته تر از قبل شدند. این درس ها برای کل طبقه کارگر آموزنده است. هدف از این نوشته تبیین درس های این اعتصاب، نقاط قوت و ضعف آن است. اما قبل از اینکه وارد بحث شوم، امیدوارم رهبران این اعتصاب، که لحظه به لحظه این اعتصاب را هدایت کرده اند، تجارب این مبارزه را به رشته تحریر درآورند و در اختیار طبقه کارگر قرار دهند.

یک اعتصاب موفق

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه تا این لحظه تنها به یکی از خواستهای خود رسیده و به سایر خواستهای خود نرسیده است با اینهمه این اعتصاب تا همینجا موفقیت مهمی کسب کرده است. حقوق معوقه کارگران که فوری ترین خواست کارگران بود روز چهارشنبه پس از یازده روز اعتصاب پرداخت شد، اما برای سایر خواستهای خود کارگران به مدیر عامل مهلت ۱۵ روزه دادند. گفتند و صریحا در جمع ۴۰۰۰ کارگر اعلام شد که اگر تا ۱۵ روز دیگر به سایر خواستها رسیدگی نشود اعتصاب باز هم شروع خواهد شد. بنابراین مبارزه پایان نیافته است. روند اول اعتصاب به نفع کارگران تمام شده است. و این همه مساله نیست. فاکتور بسیار مهم در این اعتصاب اتحاد بیشتر در میان کارگران، خوشبینی به نتیجه مبارزه، خودآگاهی بیشتر و رهبرانی بسیار مجرب تر است. این فاکتور مهمی در ارزیابی این مبارزه است. مهم این است که امروز کارگران ضمن تحقق یکی از خواست های خود از آمادگی بیشتری برای تداوم مبارزه برخوردارند.

در سهای اعتصاب:

اعتصاب درس های مهمی داشت که به اختصار به آنها میپردازم:

۱- به وعده های مقامات و مسئولین نباید اعتماد کرد

تلاش همه جانبه ای از جانب حکومت و اعوان و انصارش و نیز مدیریت کارخانه بعمل آمد تا اعتصاب را در نیمه راه متوقف کنند. به جمع کارگران حمله کردند، در طول اعتصاب مدام فعالین

شعار دادن از جهاتی شکل تعرضی تری از اعتصاب است، اعتصاب را به میان توده مردم میبرد و جامعه را از خواستهای خود مطلع میکند، به همبستگی مردم با اعتصابیون منجر میشود، سرکوب دشوارتر میشود و ترس پیوستن مردم به تجمع، رژیم را در تنگنا قرار میدهد. و این اتحاد و اعتماد بنفست در صفوف خود کارگران اعتصابی را بشدت تقویت میکند. عکس العمل مثبت مردم عامل مهمی در قدرت یک اعتراض و اعتصاب است.

۲- جامعه را باید از لحظه به لحظه مطلع کرد

نقطه قوت مهم کارگران تلاش هرروزه برای اطلاع رسانی به جامعه بود. از هر رسانه ای که صدای کارگران را منعکس میکرد، کارگران استفاده کردند تا صدایشان را به گوش جامعه برسانند. کانال جدید با آغوش باز به استقبال این اعتصاب رفت و گزارشات دریاقتی از کارگران را در تمام طول اعتصاب مفضلا منعکس کرد. با برخی از فعالین و دست اندرکاران این مبارزه مصاحبه کرد و صدای آنها را به گوش بقیه مردم رساند. اعتصابی که به جامعه کشیده نشود و در چهاردیواری کارخانه محدود بماند شکستش بسیار ساده تر است. اعتصابی که از چشم و گوش افکار عمومی بدور بماند نیرو پشت سر خود بسیج نمیکند، همبستگی ایجاد نمیکند، در چنین حالتی مرعوب کردن رهبران اعتصاب ساده تر است، کارگر در جدالش با کارفرما و دولت و وزارت اطلاعات و ارگانهای مختلف حکومت تنها میماند و توطئه علیه رهبران اعتصاب و حتی پاپوش دوزی علیه آنها ساده میشود. تلویزیون انترناسیونال و برنامه کارگران و یک دنیای بهتر لحظه به لحظه از این اعتصاب خبرداشت و اجازه نداد این اعتصاب بزرگ تنها بماند. مدام اخبار و گزارشات آنرا به گوش همه رساند، تجارب سایر کارگران را به اطلاع کارگران اعتصابی رساند، مردم را به حمایت از کارگران فراخواند، احضارها و دستگیری ها را محکوم کرد و به مردم اطلاع داد، تجربه وعده های توخالی به سایر مراکز کارگری را مدام به اطلاع کارگران رساند، بر اتحاد آنها و قدرت آنها مدام تاکید کرد، و این فضای جامعه را به نفع کارگران فعال کرد. نفس اینک در

صف گوشت و بنزین مردم از اعتصاب حرف بزنند، این بزرگترین پشتوانه اعتصاب میشود و به کارگر اعتصابی دل و جرات بیشتر و اعتماد بنفست و احساس غرور میدهد. کارگر احساس میکند نیروی بزرگی در کنار او است هرچند ممکن است این نیرو فعال به میدان نیامده باشد.

با اینهمه اطلاع رسانی را باید سازمان یافته تر به پیش برد. بویژه در اعتصابات طولانی باید هرروز اطلاعی مطبوعاتی داد و بصورت کتبی مردم را از سیر مآووع، از تهدیدها و احضارها و دستگیری های احتمالی، از تصمیمات کارگران، از مطالبات، از دروغهایی که مسئولین در فلان رسانه گفته اند و از ضرورت حمایت مردم از اعتصاب کارگران مطلع کرد. اگر اعتصاب مهم است، جامعه هم باید عادت کند که هرروز منتظر آخرین اطلاعات مطبوعاتی رهبران اعتصاب باشد. بداند روز قبل چه گذشته است. کارگران چه فراخوانی داده اند. تنها در این صورت است که مردم در طول اعتصاب با اعتصاب همراه میشوند و حمایت و همبستگی شکل میگیرد. بدون اطلاع رسانی کافی و منظم نمیتوان همبستگی ایجاد کرد. حتی باید رسانه های داخل کشور را مدام تحت فشار قرار داد و مجبورشان کرد از اعتصاب کارگران بنویسند و حرف بزنند. این حق کارگر است که رادیو و تلویزیون و روزنامه ها با رهبرانشان مصاحبه کنند، این باید به یک خواست کارگران تبدیل شود. چرا مرگ فلان آخوند و مزخرفات فلان مقام به صدر اخبار کشیده میشود اما حتی یک مصاحبه با رهبران اعتصاب هزاران کارگر نمیشود؟ به این باید اعتراض کرد، این به بالا بردن سطح توقع کارگران و آگاهی طبقاتی آنها از موقعیت پائینی که در این جامعه دارند و موقعیت و جایگاه واقعی که باید داشته باشند کمک میکند و فاکتور مهمی در پیروزی مبارزه آنها میشود. این سرکوب را بشدت دشوار میکنند. سرکوب را برای رژیم پرهزینه میکند و مردم را در حمایت از کارگران به میدان میآورد. در هرشهر و محله ای میتوان کمیته های حمایت از اعتصاب یا کمیته های همبستگی با کارگران اعتصابی سازمان داد و اطلاعیهای کارگران را در سطح وسیعی پخش کرد. این فاکتور مهمی در نتیجه یک اعتصاب است. با بکارگیری این روشها حتی

یک اعتصاب پنجاه نفره را نیز میتوان به پیروزی کامل رساند. در طول اعتصاب اما فعالین اعتصاب بتدریج به اهمیت این مساله پی بردند و اولین بیانیه خود را خطاب به مردم در روز یازدهم اعتصاب منتشر کردند. بیانیه مهم دیگری نیز امروز منتشر کرده اند که به آن خواهم پرداخت.

اما اعتصاب نقاط ضعف بارزی نیز داشت که باید به دسی برای سایر اعتصابات تبدیل شود. نقطه قدرت مهم اعتصاب نیشکر این بود که از یک رهبری مصمم و مورد اعتماد توده کارگران برخوردار بود. رهبری اعتصاب اعتماد کارگران را با خود داشت چون سازش نکرد و با قاطعیت از مطالبات کارگران دفاع کرد و به نیروی کارگران متکی بود، با اینهمه ضعف هایی نیز در رهبری این اعتصاب بود که به آنها اشاره میکنم:

بنظر من مهمترین نقطه ضعف این اعتصاب درک ناروشن از نحوه مشارکت کارگران در تصمیم گیری ها و عدم اتکا به مجمع عمومی کارگران بود. رهبری اعتصاب درک روشنی از تصمیم گیری جمعی، از اهمیت مجمع عمومی و شریک کردن توده کارگر در تصمیم گیری ها، نداشت و به آن متکی نشد. علیرغم اینکه کارگران هرروز در کارخانه حضور داشتند و چندین تجمع اعتراضی نیز بر پا کردند با اینهمه مجمع عمومی کارگری برپا نشد. تجمع اعتراضی کارگران با مجمع عمومی تفاوت دارد. مجمع عمومی یعنی عموم کارگران جمع میشوند و دسته جمعی با رای دادن یا دست زدن و هورا کشیدن تصمیم گیری میکنند. مجمع عمومی بزرگترین پوشش برای حفظ رهبران اعتصاب است. در مجمع عمومی کارگران صحبت میکنند، صحبت رهبران خود را می شنوند و در تصمیم گیری شرکت میکنند و مسئولیت میگیرند. در طول این اعتصاب، باید هرروزه مجمع عمومی برگزار میشد و در آن از آخرین مسائل مربوط به اعتصاب صحبت و تصمیم گیری جمعی میشد. مجمع عمومی قدرت کارگر را به او نشان میدهد. کارگر پراکنده ضعیف است، میتواند مرعوبش کنند، میتوانند فریبش دهند، اما آنجا که کارگر جمع میشود احساس قدرت میکند. مجمع عمومی ظرف مهمی برای

از صفحه ۳ درس بزرگ اعتصاب ...

اعتصاب است.

از صفحه ۲ قطعنامه روز جهانی کودک ...

بدنی و یا عقلی و فراهم کردن امکانات و تسهیلات لازم برای شرکت فعال آنان در زندگی اجتماعی جدا از وضعیت خانوادگی شان

۹- مبارزه با اعتیاد کودکان، حمایت کودکان در ترک اعتیاد و مقابله قاطع با عاملین تولید قاچاق و فروش مواد مخدر در بین کودکان

۱۰- داشتن تفریح، بازی، آسایش و استراحت و برخورداری از امکانات مناسب جهت انجام فعالیت های فرهنگی هنری و ورزشی حق مسلم هر کودک می باشد.

۱۱- تأمین بهداشت و سلامتی کودک در بالاترین سطح ممکن و ارائه خدمات بهداشتی و درمانی رایگان

۱۲- تأمین مسکن مناسب برای همه و بالخصوص برای خانواده هایی که کودک دارند.

۱۳- تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه کودکان و اجباری نمودن تحصیل تا مقطع دبلم

۱۴- برخورداری از تغذیه مناسب، مکفی و مقوی و در اختیار قراردادن غذای مجانی در مدارس و مهدکودکها

۱۵- تأمین رفاه و سعادت

هر کودک مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است و دولت موظف است استاندارد واحدی از رفاه و امکانات رشد مادی و معنوی کودکان و نوجوانان را در بالاترین سطح ممکن تضمین کند

۱۶- جنبش دفاع از حقوق کودک هرگونه جنگ افروزی و عملیات نظامی را نه تنها در منطقه بلکه در کل جامعه بشری محل امنیت و آسایش عمومی خصوصاً کودکان دانسته و در مقابل آن قدهلم کرده و اعلام موجودیت می کند.

به امید تحقق آرمانهای زیبای انسانی مدافعین حقوق کودک در شهر پیرانشهر بازتکثیر: کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۱۶ مهر ۱۳۸۶ - ۱۸ اکتبر ۲۰۰۷

در برابر همه این نامالیقات نیست. ما آمده ایم جهت احقاق حقوق ذاتی و انسانی این سرمایه های جامعه بشری در برابر همه این تعارضات و نامهربانیها سینه سپر کنیم. و به موج توفانی جنبش دفاع از حقوق این قشر آسیب پذیر جامعه پیوندیم. باشد که جهانی کودکان و انسانی برای کودکانمان داشته باشیم. هیئت اجرایی گرامیداشت روز جهانی کودک موارد ذیل را در جهت برسمیت شناختن حقوق کودک و برداشتن گامی عملی و اساسی برای آن خطاب به همه آحاد جامعه بشری خصوصاً خانوادهها، دولت و نهادهای علاقمند و مرتبط با مسایل کودکان عنوان میدارد:

۱- حقوق کودک جهانشمول است و بر هر ملاحظه و منفعت ملی، نژادی و اقتصادی سیاسی و ایدئولوژیک ارجح است.

۲- کودکان باید از همه حقوق و مزایای اجتماعی برخوردار باشند که در جامعه برسمیت شناخته شده و یا موجود است.

۳- آزادی کودکان در برابر عقیده و احساسات و ارزشگذاری به عقاید و افکار آنان

۴- رعایت حقوق هر کودک برای معاشرت و زندگی اجتماعی و ممنوعیت هر نوع جدا سازی و محروم کردن کودکان از محیط اجتماعی و معاشرت با دیگر کودکان

۵- ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان زیر ۱۶ سال و پیگیری قاطع و سریع کودکان کار و کودکان خیابانی و پیشگیری از تراژدیها و فجایع جبران ناپذیر

۶- ممنوعیت هر نوع آزار جسمی و روحی کودکان در خانواده، مدارس و موسسات آموزشی و در سطح جامعه به طور کل

۷- ممنوعیت هر نوع برخورد تحقیرآمیز، مردسالارانه و پدرسالارانه با کودکان دختر در خانواده و نهادهای و موسسات اجتماعی

۸- تأمین یک زندگی شایسته انسانی برای کودکان دارای نقص

بزرگترین درس اعتصاب:

به بخشی از درسهای این اعتصاب اشاره کردم اما بزرگترین درس این اعتصاب این بود که کارگران به گوشه ای از قدرت عظیم خود پی بردند. به قدرت اتحاد و اعتصاب خود واقف شدند. در مقطعی که رژیم تمام نیرویش را برای ایجاد ارباب در جامعه و ساکت کردن مردم معترض به میدان آورده است، کارگران نیشکر پوچی این تلاش ها را به همگان نشان دادند. نشان دادند که خبری از ارباب نیست، برعکس این کارگران بودند که رژیم را مرعوب مبارزه خود کردند و به تسلیم کشانیدند. این کارگران بودند که اعلام کردند نه سرکوب، نه دستگیری، نه وعده وعیدها آنها را متوقف نمیکند. این کارگران بودند که ضعف حکومت و نگرانی از ادامه اعتصاب و کشیده شدن اعتصاب به سایر مراکز کارگری را عیان کردند. در طول این اعتصاب ۱۲۰۰۰ کارگر کشت و صنعت آنها در همان منطقه تهدید به اعتصاب کردند. دانشجویان پاسخ دندان شکنی به احمدی نژاد دادند و مراسم های بزرگ و باشکوهی در دفاع از حقوق کودک در تهران و سنجند و برخی شهرهای دیگر برافراشتند. که همگی تأکیدی بر این بود که دیگر نمیتوان مرعوب کرد، که باید تسلیم اعتراض و خواست مردم شد. اعتصاب در هفت تپه، اعتراض در دانشگاه تهران، و مراسم های بزرگ دفاع از حقوق کودک بیانگر زنده بودن، پویایی، رشد، و رادیکالیسم عمیقی است که در اعماق جامعه، در میان بخش های مختلف مردم جریان دارد.

بیانگر این است که مردم کوتاه نیامده اند و کوتاه هم نمیایند. عمیقاً بیانگر این است که افکار حق طلبانه، آزادیخواهانه و سوسیالیستی هر چه بیشتر در اعماق جامعه ریشه دوانده است و این مهمترین نقطه قوت امروز مبارزه آزادیخواهانه مردم در ایران است. اعتصاب هفت تپه در کنار مراسم های بزرگ دفاع از حقوق کودک و مقابله دانشجویان با احمدی نژاد بار دیگر شکست سیاست ارباب حکومت و عمق جنبش آزادیخواهانه مردم ایران را به نمایش گذاشت. *

درس بزرگ اعتصاب ...

کردند در صورت عدم تحقق مطالباتشان در آینده در کنار کارگران اعتصابی به میدان خواهد آمد. همسران کارگران حق دارند و لازم است دوشادوش کارگران اعتصابی در مبارزه شرکت کنند. برای همبستگی تلاش کنند، خبرسانی را بعهده بگیرند، صندوق همبستگی مالی سازمان دهند، بالای چهارپایه بروند و سخنرانی کنند. این حق آنها است که در مجمع عمومی کارخانه نیز حاضر باشند، صحبت کارفرما را بشنوند، از تصمیم رهبران اعتصاب باخبر شوند و خود را در همه لحظات مبارزه شریک کنند. باید با هر نوع عقب ماندگی و هر نوع تفکر عقب مانده که آخوند محل و رسانه های حاکم ایجاد کرده اند و مانع حضور فعال همسران کارگران در مبارزه میشوند، مبارزه کرد.

تلاش طبقه حاکم و رسانه های آنها این است که نیروی ما به میدان نیاید، متحد و یکپارچه کنار هم قرار نگیریم، اعتصاب ما در بی خبری جامعه خفه شود، دستگیری رهبران کارگران را نه جامعه خبردار شود و نه به آن اعتراض کند. این موانع را باید گام به گام از پیش پا برداشت. این موانع را باید رفع کرد تا نیروی عظیم ما آزاد شود و به میدان آید.

بعد از اعتصاب:

روند اول اعتصاب با موفقیت به پیش رفته است. بعد از اعتصاب کارفرما و دولت بیکار نمی نشینند، سعی میکنند انتقام پیروزی را از کارگران بگیرند. اکنون اعتصابی در کار نیست و ممکن است بار دیگر احضارها و تهدیدها شروع شود. کارفرما و مدیریت نیز سعی در ایجاد تفرقه خواهند کرد و اگر فضا را مناسب ببینند ممکن است دست به اخراج بزنند. حفظ هوشیاری در مقابل این شرایط لازم است. حفظ اتحاد و روحیه مبارزاتی در میان کارگران است. تصمیم کارگران برای برگزاری منظم و هفتگی مجمع عمومی بهترین امکان را برای مقابله با این شرایط فراهم میکند. تلاش برای تشکیل منظم مجمع عمومی و تحمیل آن به کارفرما اکنون یکی از مهمترین وظایف پیش روی کارگران برای حفظ اتحاد و حفظ روحیه مبارزاتی، برای متشکل ماندن، برای تصمیم گیری و مبارزه برای تحقق سایر مطالبات و در عین حال مقابله با توطئه ها و اذیت و آزارهای پس از

غلبه بر توطئه ها و رشد آگاهی و تجربه کارگران است. و مهمتر اینکه مجمع عمومی سنگ بنای یک تشکل واقعی کارگری است. تشکلی که از بالای سر کارگر و به شکل بوروکراتیک تصمیم نمیگیرد. و علاوه عملی ترین راه متشکل شدن کارگران است. با اینهمه در طول اعتصاب فعالین کارگری بتدریج به اهمیت حیاتی این مساله پی بردند. اطلاعیه آنها یک روز پس از اعتصاب که: "برای اینکه خواستهایمان را پیگیری کنیم، برای اینکه نگذاریم دوباره دستمزدها ما را به عقب بیندازند، اخراجمان نکنند و نمایندگان دلسوزی که سخنگویان ما بودند را زیر فشار نگذارند هر هفته جمع می شویم و در مورد وضعیت خود و مسائل فوری کارمان تصمیم می گیریم. ما هر هفته روزهای پنجشنبه ساعت ۱ تا ۲ جمع خواهیم شد و این را حق مسلم خود، تشکل واقعی خود می دانیم" بیانگر رشد سریع تجارب مبارزاتی کارگران نیشکر هفت تپه و درجه بالائی از خودآگاهی طبقاتی آنها را به نمایش میگذارد.

نقطه ضعف دیگر این بود که تلاش ضعیفی از جانب کارگران برای جلب همبستگی سایر مراکز کارگری و بخشهای مختلف مردم به عمل آمد. هر چند نفس اطلاع رسانی آنها بیشتر زمین را برای ایجاد همبستگی فراهم کرد با اینهمه کارگران نمیتوانستند با اطلاعیه های خود و در مصاحبه های خود مردم را به حمایت از مطالبات و اعتصاب خود فریادخوانند، با رهبران و فعالین کارگری در سایر مراکز تماس بگیرند و خواهان حمایت آنها بشوند، و از رسانه ها به بقیه مردم فراخوان بدهند.

نزدیکترین مردم همسران و اعضای خانواده خود کارگران بودند. کارگران البته چند بار تهدید کردند که چنانچه به خواسته های خود خواهند آمد. به یک معنی میتوان گفت که هنوز نیروی کارگران به میدان نیامده است. کارگران طرف مقابل را به نیروی ذخیره خود توجه میدادند و تهدید میکردند که این نیرو را هم به میدان خواهند آورد. کارگران سالها قبل این را عملی کرده و اهمیت آنرا دیده بودند. شرکت خانواده ها در مبارزه کارگران اعتصابی ابزار مهمی برای موفقیت و عقب راندن کارفرما و دولت است. این نیروی است که همانطور که کارگران هفت تپه اعلام

بسوی دنیایی بدون اعدام

مینا احدی

فشار بگذارد که همه احکام اعدام را ملغی کنند. امسال اعلام شد که میتوان و باید دولتهای مدافع و مجری احکام اعدام را تحت فشار گذاشت تا به این جنایات فورا خاتمه دهند. امسال اعلام شد که جهانی عاری از اعدام و قتل عمد دولتی ممکن است و باید فورا برای تحقق این خواست انسانی اقدام کرد. ۱۰ اکتبر امسال نگاهها بیش از پیش بسوی ایران چرخید. حکومت فاشیست اسلامی با صحنه های شنیع اعدام در ملا عام، مورد نفرت و انزجار عمیق میلیونها مردم در دنیا قرار گرفت. امروز اگر حرفی از اعدام و مبارزه علیه اعدام بود، بیش از هر دولتی و هر نهادی چهره جانبان حاکم بر ایران بر افکار عمومی بین المللی نقش بست. ۱۰ اکتبر امسال جنبش علیه اعدام در ایران يك گام بلند به پیش برداشت. ایران کشوری است که در آن

۱۰ اکتبر امسال يك روز تاریخی در جنبش مبارزه علیه اعدام است. هزاران نفر در سراسر جهان، با برپایی میتینگ، تجمع، جلسات سخنرانی و کنفرانس، اعتراض خود را بر علیه قتل عمد دولتها به نمایش گذاشتند. اعتراض و نفرت از اعدام و قتل عمد دولتی، يك جنبش وسیع بین المللی است. میلیونها نفر با بغض و نفرت صحنه های اعدام را در دنیا نظاره میکنند و بهر طریق ممکن علیه این سببیت قرون وسطایی عکس العمل نشان میدهند. امضا بیش از نیم میلیون نفر در اعتراض به اعدام نازنین فاتحی و دلارا دارابی در ایران، فقط يك نمونه از این ابراز نفرت میلیونی است. ۱۰ اکتبر امسال يك نقطه عطف مهم در مبارزه علیه اعدام است. امسال اعلام شد که سازمان ملل میتواند و باید دولتها را تحت

يك جنبش انسانی و وسیع و گسترده بر علیه اعدام در جریان است و این جنبش توانسته است ابعاد وسیع بین المللی بخود گرفته و جان انسانهای زیادی را نجات دهد. امسال در مراکز شهرهای بزرگ نظیر برلین، استکهلم، تورنتو، لندن، بروکسل، لوکزامبورگ، یوتبورگ، مالمو، برمن، اسلو، لس آنجلس و واشنگتن، در همه جا صدای اعتراض هزاران نفر علیه اعدامها در ایران بگوش همگان رسید. ما اعلام کردیم که اعدام باید در ایران و در همه جا فورا ممنوع شود.

بدین وسیله از همه عزیزانی که در این برنامه ها شرکت کرده و به یاری و استمداد صدها نفر محکومین به اعدام در ایران و در دنیا رفته و دولتها را تحت فشار گذاشتند به مجازات اعدام خاتمه دهند، خسته نشاید میگویم و دست همه آنها را به گرمی می فشاریم. ما میتوانیم و باید به يك دنیایی عاری از قتل عمد دولتی برسیم. این امکان پذیر است و باید فورا عملی شود. *

ما موفق شدیم

مشابه، به پیوستن به این حرکت و حمایت از اقدام و ابتکار کارگران نیشکر هفت تپه فرامیخواند.

زنده یاد کارگران نیشکر هفت تپه آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران ۱۹ مهرماه ۱۳۸۶، ۱۳ اکتبر ۲۰۰۷

اطلاعیه کارگران نیشکر هفت تپه ما موفق شدیم

دو هفته مبارزه ما به موفقیت های خوبی رسید.

اتحاد ما رمز پیروزی ماست. حقوق شهروید را دریافت کردیم اما برای باقی طلب های ما وعده ۱۵ روز دیگر را داده اند. برای اینکه خواستهایمان را پیگیری کنیم، برای اینکه نگذاریم دوباره دستمزد ما را به عقب بیندازند، اخراجمان نکنند و نمایندگان دلسوزی که سخنگویان ما بودند را زیر فشار نگذارند هر هفته جمع می شویم و در مورد وضعیت خود و مسائل فوری کارمان تصمیم می گیریم.

ما هر هفته روزهای پنجشنبه ساعت ۱ تا ۲ جمع خواهیم شد و این را حق مسلم خود، تشکل واقعی خود می دانیم.

کارگران نیشکر هفت تپه ۱۹ مهر ۱۳۸۶

نمیشود. در ۳۲ کشور جهان عملا اعدام انجام نمیشود. در مجموع میتوان گفت در ۱۳۳ کشور جهان اعدام یا قانونا ممنوع است و یا اجرا نمیشود. در ۶۴ کشور جهان کماکان اعدام هست و دولتها مردم را به بهانه های مختلف به قتل میرسانند.

سازمانهای مدافع حقوق انسانی به درست میگویند میتوان در يك روزنقطه پایانی بر همه این جنایات گذاشت. میتوان همه کشورها را وادار کرد که اعدام را ملغی کنند و این راهی است بسیار مهم و موثر بر علیه قتل عمد دولتی.

طبعاً تا اجرای این مهم راه درازی در پیش است. اما اعمال فشار به نهادهای مختلف بین المللی و اعمال فشار به دولتها بهترین راه پیشبرد این هدف مهم است. ما باید برای يك دنیایی عاری از اعدام تلاش کنیم. و در این راه بویژه مردم ایران که زخم عمیق این رفتار وحشیانه را بر جسم و روح خود دارند، باید فعالانه و با تمام قوا وارد مبارزه شوند. *

این تیتتر اطلاعیه ای است که کارگران نیشکر هفت تپه امروز ۱۹ مهرماه يك روز پس از پایان اعتصاب خود منتشر کرده اند. کارگران نیشکر در این اطلاعیه تاکید کرده اند که حق خود میدانند که هر هفته مجمع عمومی خود را برگزار کنند و در مورد مسائل مختلف خود بحث کنند و تصمیم بگیرند. در این اطلاعیه آمده است: "برای اینکه خواستهایمان را پیگیری کنیم، برای اینکه نگذاریم دوباره دستمزد ما را به عقب بیندازند، اخراجمان نکنند و نمایندگان دلسوزی که سخنگویان ما بودند را زیر فشار نگذارند هر هفته جمع می شویم و در مورد وضعیت خود و مسائل فوری کارمان تصمیم می گیریم. ما هر هفته روزهای پنجشنبه ساعت ۱ تا ۲ جمع خواهیم شد و این را حق مسلم خود، تشکل واقعی خود می دانیم."

حزب کمونیست کارگری از این اقدام کارگران نیشکر عمیقاً پشتیبانی میکند و آنرا مهمترین ابزار مقابله کارگران با توطئه ها و فشارهای بعد از اعتصاب و برای پیگیری سایر مطالبات آنها میدانند و همه مراکز کارگری را به اتخاذ تصمیم

خوبان تجمع کرده و لحظات آخر زندگی يك انسان و دست و پا زدن او را در خیابان نظاره کنند. در مواقعی قبل از اعدام به محکومین شلاق زده و در نهایت درنده خوبی و سببیت، با بی احترامی کامل، این انسانها را تا پای مرگ شکنجه میکنند.

اعدام وحشیانه و قرون وسطایی است. اعدام قتل عمد انسانها توسط دولتها، برای ایجاد وحشت و جهت به تمکین واداشتن مردم انجام میگیرد. جهان باید برای پایان بخشیدن به این سببیت و وحشیگری به پا خیزد و ۱۰ اکتبر امسال به یمن مبارزات گسترده بین المللی علیه اعدام به يك واقعه مهم در دنیا تبدیل شود.

قرار است سازمان ملل را که با سکوت و شکیبایی نظاره گر قتل عمد دولتی است وادار کنند، در این مورد عکس العمل جدی نشان دهد.

امروز در ۹۰ کشور جهان اعدام ممنوع است. در ۱۱ کشور جهان در دوران صلح هیچ اعدامی انجام

نزدیک میکنند. دکتر قاتل، سوزن را آمده میکند و دقت هم میکند که هوا نداشته باشد و سپس عملیات شروع میشود. کسی به مادر این متهم نگاه نمیکند. کسی نگاه آخر ویلیام را که با اضطراب و ترس و تمنا آغشته است نمی بیند. دکتر در حال انجام وظیفه است و به ازای این "کار" پول خواهد گرفت. ویلیام شروع به دست و پا زدن میکند اما دستها و پاهایش را بسته اند و قرار نیست صدایی از او ویا مادر و خواهرش بلند شود. و چند لحظه بعد دکتر با افتخار اعلام میکند، عملیات موفق شد! از مادر و خواهر ویلیام صدایی بلند نمیشود، فقط مادرش از حال رفته و روی صندلی افتاده است و باز هم کسی به او نگاهی نمیکند.

این البته "بهترین" فرم اجرای حکم اعدام است. در آمریکا با تزریق سم انسانها را می کشند و ادعا میکنند این روش بهتری است. در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، به مردم فراخوان میدهند که در

اساسی سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

از صفحه ۱ فریاد محکومیت ...

خواهی بود و این آخرین درخواست من از تو است. و هالپرین صبح زود يك روز سه شنبه در سال ۲۰۰۵ سوار ماشین خود شده و به محل رفته بود. او میگفت، مادر و خواهر محکوم به اعدام را به سالن راه داده و قبل از هر چیز با تفرعن و تاکید اعلام کردند، اگر گریه کنی و صدای شما در بیاید، بیروتان خواهیم کرد. و يك ربع مانده به ساعت اجرای حکم آخرین حداحافظی با متهم انجام میشود و سپس يك گروه سه نفره با سر و صدا و در کمال آرامش با شوخی و حرف زدن، مشغول خوردن قهوه میشوند. سپس به ساعت نگاه کرده و دستهای خود را می شویند و دستکش دست کرده و متهم را می آورند، در حین آماده کردن سورنگ تزریق سم، با یکدیگر حرف میزنند و انگار نه انگار که يك نفر را به صندلی مرگ

در این قرن، کماکان شغل تعدادی این است که در کمال خونسردی و وقاحت و اعتماد به نفس، تعدادی را به مرگ محکوم میکنند و در کمال آرامش شرایط اجرای این حکم و یا به قتل رساندن انسانها را فراهم میکنند. در يك گشت سیاسی به مناسبت ۱۰ اکتبر در سال ۲۰۰۵، به دعوت عفو بین الملل که منهدم در آن شرکت و سخنرانی کردم، ریچ هالپرین رئیس عفو بین الملل آمریکا میگفت که يك محکوم به اعدام که بارها برای نجات او تلاش کرده بودیم به من گفت: سه شنبه هفته آینده مرا اعدام میکنند، تو در مورد اعدام زیاد حرف زده ای بیا و ببین عملاً يك اعدام چگونه است؟ و ریچ با تعجب و تحیر گفته بود که من نمیتوانم تحمل کنم و او اصرار کرده و گفته بود با دیدن این صحنه بیش از پیش علیه اعدام

از صفحه ۱ پاسخ محکم کارگران ...

را اعدام نمیکنند؟! اگر چه این یک دروغ بزرگ است اما این نوع دفاع نشانه تعادل قوای معینی است که دیگر رژیم اسلامی نمیتواند تحت عنوان "ضدانقلاب" و "محارب" مخالفینش را اعدام کند. ناچار شده است زبان دروغ را به کار بگیرد و بگوید مخالفین سیاسی را اعدام نمیکند.

با این وجود جنبش سرنگونی اگر چه در ابتدا اساساً با پوشش دوم خرداد و "اصلاحات" به میدان آمد اما قدم به قدم و مخصوصاً بعد از شکست دوم خرداد این جنبش دوره انتقالی خود را طی کرد و روی پای خودش قرار گرفت. مدتی طول کشید تا این دوره انتقال به جنبشی رادیکال و سرخ تبدیل شود. در این دوره انتقالی مدتی شاهد اعتراضات وسیع و بروز علنی اعتراضات جنبشهای مختلف نبودیم. اما همه کسانی که تحلیل درستی از اوضاع سیاسی داشتند میدانستند که این یک دوره انتقال است و فعالین عرصه های مختلف باید خودشان را سازمان میدادند و راههای دیگری را بجز پوشش دوم خردادی پیدا میکردند. در همین فاصله که فعالین جنبشهای اعتراضی و رادیکال روی پای خود قرار گرفته و به میدان آمدند، کل گرایشات راست ملی اسلامی و ناسیونالیسم پروغرب مایوس و تا حدود زیادی از میدان خارج شدند. برجسته ترین نمود این تحول شعارهای سوسیالیستی دانشگاهها و نقد سیستم سرمایه داری در قطعنامه ها و سخنرانیهای های فعالین کارگری و جنبش دفاع از حقوق کودکان بود.

در چنین شرایطی و بعد از خاکسپاری دوم خرداد علاوه بر جنبش جوانان و جنبش برابری طلبانه زنان و جنبش دفاع از حقوق کودک، جنبش کارگری با قدرت و توان و تاثیر بسیار گسترده تری وارد میدان شد. اعتصاب شرکت واحد، نساجیهای سندانج، کاشان و... و این اواخر هفت تپه و صدها مورد دیگر که اخبارش در رسانه ها درج شده است فقط نمونه هایی هستند. در این پروسه چپ و کمونیسم سخنگویان و پرچمداران خودش را در جنبشهای اجتماعی بیش از پیش به جامعه معرفی کرد. اوضاع به تدریج داشت کل رژیم اسلامی و نه تنها این بلکه

دیکتاتور و... متهم کردند. ما کمونیستهایی که در زندگیمان یک روز هم از استالین و مائو دفاع نکرده بودیم دیکتاتور لقب گرفتیم و کارگزاران و مدافعین سیستم شوروی استالینی و چین مائویی و انورخوجه ای و... که همگی "اصلاح طلب" شده بودند در کنار سخنگویان اسلامی و ناسیونالیسم پروغربی یک دفعه دمکرات و اهل دیالوگ با پسر عموهای انحصار طلب شدند. با خامنه ای دیالوگ میکردند به ما اتهامات سخیف پرت میکردند. و در نهایت همه اینها طرفداران انقلاب آرام و مخملی شدند. خطر کمونیسم را به همدیگر تذکر دادند.

نشریات دوم خردادی تریبون این طیف علیه کمونیستها شد. هنگام گزارش اعتراضات سرخ دانشگاهها رسانه های لس آنجلسی و فارسی زبان وابسته به آمریکا در یک ائتلاف اعلام نشده با جریانات دوم خردادی تلاش کردند کمونیستها را با القابی جنگ سردی که حذف میکنند و دیکتاتور هستند و دمکراسی سرشان نمیشود و... معرفی کنند. این رسانه های بسیار "باشرف" جاهایی از این تجمعات را نشان دادند که پرچمهای سرخ نباشد. شعارهایی را از زبان آنها تکرار کردند که در مراسمهای چند سال قبل داده شده بود اما خبری از آنها در اعتراضات اخیر نبود. کسانی تحلیلگر این وقایع شدند که خودشان قبلاً بوسیله چپها و کمونیستها منزوی و شکست خورده بودند. افشاری و گنجی و تحکیم وحدتی ها را میگویم.

دفتر تحکیم وحدت این "خطر" را جدی گرفت و اعلام کرد که از نیروهای ائتلاف دوم خردادی فاصله میگیرد. زیرا میدانستند که این دوره فقط رادیکالیسم و اپوزیسیون کل رژیم برای مردم محروم و جوانان میتواند جذابیت داشته باشد. اینها اما هماهنگ با این تغییر ریل ظاهری اصل را بر ضدیت با کمونیستها گذاشتند و بطور برجسته خطر شبح لنین را بر فضای ایران اعلام کردند: در نقد انحصار طلبی پسر عموهایشان، گوشزد کردند که اگر به آنها میدان علنی و قانونی فعالیت داده نشود کمونیستها و فعالین سیاسی رادیکال میدان دار میشوند.

اما همه این صف رنگارنگ بورژوازی در مقابل قدرت اجتماعی

چپ جامعه ناچار به عقب نشینی شد. این اوضاع هر روز به سمت پلاریزه شدن بیشتر و رادیکالیسم اجتماعی تر پیش رفت. سیر این تحولات، چپ، جنبش کارگری و به تبع آن کمونیسم کارگری را در موقعیتی قرار داد که سکان این حرکت جنبشهای اعتراضی را از دست جریانات دیگر دریاباورند. این تعادل قوای فعلی جامعه ای است که افقهای متفاوت رنگ خود را به آن زده اند. این تعادل قوا اگر موقتی هم باشد تا اطلاع ثانوی جریانات راست، ملی اسلامی و ناسیونالیسم پرو غرب شکست خوردگان سیاسی محسوب میشوند.

طنز تلخ تاریخ اما آنجا بود که کسانی در میان اپوزیسیون "چپ" این شعارها و راه لها و ارزباییهای دوم خردادیها را قورت دادند و شروع کردند به تکرار همان تزه های شکست خورده. اعلام کردند که شعار "سوسیالیسم برای رفع تبعیض" از سوی تعداد کمی بوده است. اعلام کردند راست دست بالا دارد. اعلام کردند شعار دفاع از سوسیالیسم معلمان فتوشاپ بوده است. اعلام کردند راست پروغرب و دوم خرداد رهبر جنبش سرنگونی بودند آنها شکست خوردند بنابراین این جنبش سرنگونی هم شکست خورد. مضحکتر این بود که بعد از گذشت ۷ سال که از تاریخ جنبش قدرتمند جوانان و دانشجویان و مردم در سال ۷۸ که خامنه ای را وادار کرد بگوید "صدای اعتراضات را شنیده، اگر عکس او را هم پاره میکنند مهم نیست و... کسانی در اپوزیسیون چرتکه انداختند و در شرایط امروز اعلام کردند "این جنبش همان سال اول قربانی توهمات خودش شد" پس جنبش سرنگونی شکست خورد.

معلوم نیست این اصحابان کف چپا بعد از ۷ سال تکرار قدرت جنبش سرنگونی طلبی اکنون متوجه "شکست" این امر شده اند. در این صف شکست خورده هنگامی که پیش نماز شکست جنبش سرنگونی طلبی را اعلام کرد، پس نمازان "رادیکالتر" اعلام کردند اصلاً جنبش سرنگونی وجود نداشته است بلکه این ساخته ذهنیت چپ بوده است که آرزوهایش را به جای واقعیت گذاشته است. نوشتند "جمهوری اسلامی از دهه ۶۰ شمسی هم محکمتر و قدرتمندتر شده است. از این بدتر "رهبران" نوظهوری که خیلی تئوری

و کتاب خوانده و "کمونیست" شده اند اعلام کردند این جنبش سرنگونی اصلاً بیخود وارد ادبیات چپ شده است. چنین اصطلاحی در کتاب های مورد مطالعه ایشان نیست پس غیر مارکسیستی است! در متن چنین شرايطی که راست به هزیمت افتاده و هذیان میگفت جنبش کارگری به میدان آمد و خواب همه را به هم زد.

از طرف دیگر جمهوری اسلامی در مقابل رشد و قدرت جنبشهای انقلابی و فعالین چپ و کمونیست از ابتدای سال ۱۳۸۶ تا کنون سیاست سرکوب و ارعاب را با شدت تمام بکار گرفت. اعدامهای دسته جمعی، دستگیری و صدور احکام زندان برای فعالین سیاسی، شکنجه و بازداشتهای وسیع، تعرض به جنبش برابری طلبانه زنان و جنبش خلاصی فرهنگی جوانان، اقدام به سرکوب شدید جنبش کارگری، دستگیریهای خیابانی و ایجاد فضای وحشت در جامعه تحت عنوان "جمع کردن و اعدام اراذل و اوباش" اجرای سیاست تحقیر و تعرض به زنان "بدحجاب" تحقیر کردن جوانان با نمایش های وحشیانه و قرون وسطایی "انداختن آفتابه به گردن آنها" برای شکستن کرامت و شخصیت انسانیشان، صدور احکام تحقیر آمیزو بیشترمانه "شلاق" علیه ناراضیان و بویژه فعالین کارگری، دستگیری و صدور احکام زندان علیه فعالین کارگری شناخته شده مثل منصور اسانلو، محمود صالحی، شیت امانی، صدیق کریمی و... این سیاستها و به میدان آوردن گله بسیج و حزب الله همگی قرار بود به ایجاد فضای قبرستانی در جامعه ایران خدمت کنند.

قرار بود احمدی نژاد و تیم قاتلین هیئت دولت که در طول تاریخ رژیم اسلامی بیش از بقیه در کشتن مخالفین قاطعیت از خود نشان داده بودند، فضای دهه شصت را در ایران دوباره زنده و حاکم کنند. آنها فکر میکردند که سناریوی از میدان بدر کردن دوم خرداد مثل فراری دادن بنی صدر در دهه شصت است و سرکوب مخالفین و شمشیر را از رو بستن میتواند آن دوره را تکرار کند. قرار بود بیرحمی خدا و شمشیر خونین علی در مقابل مردم به نمایش گذاشته شود که ساکت و خانه نشین شوند. قرار بود این سیاستها مردم را مرعوب و مطیع دستورات صفحه ۸

جهانی دیگر باید ساخت!

گزارشات رسیده به حزب از روز جهانی کودک در تهران

امروز روز ۱۶ مهر روز جهانی کودک همزمان با بسیاری شهرهای کشور در تهران نیز روز جهانی کودک با شکوه و تلاش و رادیکالیسمی که شایسته طبقه کارگر است برپا گردید. در این مراسم ها اجتماع کنندگان خواهان تغییر بنیاد جهانی شدند که برای ساکنین اش و برای عزیزترین ساکنین اش یعنی کودکان جای شایسته ای نیست. در این مراسم ها شرکت کنندگان خواهان جهانی عاری از جنگ و خشونت و استثمار شدند. خواهان منع کار کودکان شدند. خواهان آموزش رایگان اجباری برای کودکان شدند. خواهان فرصت برابر به کودکان مهاجر و منع محرومیت کودکان افغان از تحصیل شدند. در این روز شرکت کنندگان علیرغم یکی از وحشی ترین و خشن ترین و قاتل ترین حکومت های دنیا فریاد اعتراض علیه این جهان وراونه را بلند کردند. این است جلوه ای از تلاش و کوششی عظیمی که برای آزادی و رهایی انسان در جامعه ایران در جریان است و طبقه کارگر و کمونیسم کارگری در پیشاپیش آن گام بر میدارد.

اینجا گزارشاتی را که تا این لحظه از دو مراسم امروز در شهری و همینطور پارک لاله تهران به دست حزب کمونیست کارگری رسیده را ملاحظه میکنید. همین گزارش ها و قطعنامه های این مراسم بخوبی شور و تلاش برگزار کنندگان و تلاش آنها برای ساختن دنیایی بهتر را منعکس میکند. حزب کمونیست کارگری دست همه تلاش گران احقاق حقوق مسلم کودکان و هم کوشندگان آزادی و برابری انسانها را به گرمی میفشارد.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ مهر ۱۳۸۶، ۸ اکتبر ۲۰۰۷

مراسم روز جهانی کودک در شهری

گزارش اول:

امروز در مراسم شهر ری مردم. مراسم در فضای باز شهرداری برپا شد. جمعیت به ۹۰۰ نفر میرسید. خصوصا وقتی مدارس تعطیل شد جمعیت بیشتر شد. مردم و دانش آموزان به محل آمدند. بخشی شعارهایی که در تراکت و پلاکاردها بود عبارت بودند از:

آموزش رایگان و اجباری برای تمام کودکان،

جهان شایسته کودکان، جهانی عاری از خشونت، فقر و استثمار است.

جهان کودکان جهانی شایسته همگان خواهد بود.

کار کودک ممنوع!

کار فرصت کودکی را از کودک میگیرد.

۱۶ مهر روز جهانی کودک گرامی باد.

کودکان افغان را از تحصیل محروم نکنید.

مراسم عبارت از سرود و تاتر و شادی بود.

قطعنامه مراسم شهر ری چنین بود:

قطعنامه روز جهانی کودک ۱۳۸۶

روز جهانی کودک

بو همه کودکان جهان گرامی باد

این روز نه تنها روز کودک که روز دوستداران و مدافعان حقوق کودکانست و اگر چه این جنبش باید بخود ببالد که روزی از روزهای سال در جهان به کودکان اختصاص داده شده است و باید شادمان باشد که هر روز و هر روزه قدرت و توان بیشتری میگیرد، اما واقعیت ها و آمارهای مربوط به کودکان همچنان کام فعلا ن مربوط به کودکان را تلخ میکند. در همین روز از دمیدن آفتاب تا فرورفتن آن هزاران کودک جهان بر اثر بیماریهای قابل پیشگیری و قابل درمان درگذشته اند، هزاران کودک همچون کالا خرید و فروش شده اند، دهها هزار به ناچار مدرسه را ترک کرده اند و هزاران کودک به کودکان کار و خیابان پیوسته اند. هزاران تن از آنان مورد آزار و شکنجه قرار گرفته اند، هزاران

آموزش رایگان اجباری برای همه کودکان، دنیایی عاری از خشونت و فقر و استثمار است. مراسم تا ساعت ۶ ادامه خواهد داشت. البته این را بگوئیم که ما برای این مراسم مشکلات زیادی داشتیم. از جمله مشکلات، عبارت بودند از مشکلات مالی، گرفتن مجوز و غیره. بطوریکه آخرین گزینه ما را موافقت کردند و مکانی که مراسم را داریم مکان مناسبی نیست. مراسم اساسا به کمک مردمی بر پا شده است. با این حال حدود هشتصد نفر در اینجا جمع شده ایم. ما خواهان جهانی شایسته کودکان هستیم.

گزارش سوم از جشن شهری

امروز روز جهانی کودک به دعوت جمعیت تلاش برای جهان شایسته کودکان مراسمی در میدان فرمانداری شهری برپا شده است. برنامه اصلی برنامه شاد و آموزنده به مناسبت این روز است. دو تم اصلی برنامه تحصیل کودکان مهاجر و لغو اعدام کودکان است. ما خواهان لغو اعدام کودکان هستیم. یکی از بندهای قطعنامه ما امروز لغو اعدام و حبس ابد برای کودکان است. ممنوعیت کار برای کودکان است. و زندگی ای شاد و جهانی شایسته برای کودکان است.

صحت یک کودک کار و خیابان:

اسم من رامین است. یازده سال دارم. کار میکنم. هم خودم و هم برادرم. ما وزنه میگذاریم و آدمها را وزن میکنیم. هر کسی را که وزن میکنیم ۵۰ تومان میگیریم. روزی دو ساعت هم درس میخوانیم. به کمک دوستان تلاش برای جهان شایسته. امیدواریم وقتی شود که دیگر مجبور نباشیم کار کنیم. زندگی خوبی داشته باشیم. و همه بچه ها زندگی ای شاد داشته باشند.

گزارش چهارم از مراسم شهری

مراسم روز جهانی کودک در میدان فرمانداری شهری از سوی جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان در ساعت ۴ امروز برگزار شد. این مراسم تا ساعت ۶ ادامه دارد. الان ساعت ۴ عصر است و هنوز مراسم شروع نشده است. حدود ۳۰۰ نفری به محل آمده اند. از کودکان کار و خیابان و خانواده هایشان و فعالین این عرصه. اما هنوز جمعیت در حال

کس از آنها همچنان زیر فشار فرهنگهای عقب مانده از رشد مناسب بازمانده اند و اگر جلوی این روند گرفته نشود، دنیا برای کودکان این بی دفاعترین انسانها هر روز و هر روزه سخت تر و وحشتناکتر میشود. بیایید جهانی عاری از خشونت، فقر و استثمار برای کودکان بنا کنیم. ما برای احقاق حقوق کودکان خواستار آن هستیم که:

۱- بهداشت و درمان و تحصیل کودکان جز حقوق انسانی آنها باشد. تحصیل رایگان و اجباری جزو حقوق اساسی و اولیه کودکان محسوب شده و به عمل درآید.

۲- کار حرفه ای کودکان ممنوع اعلام شود و استخدام کنندگان کودکان مورد پیگیری قانونی قرار گیرند.

۳- رویه قضایی رویکردی آموزشی داشته باشد و از صدور احکامی که جنبه تنبیهی و آزار و اذیت دارد و به طریق اولی حکم اعدام و حبس ابد برای کودکان ملغی گردد.

۴- کودکان پناهجوی افغان مانند دیگر کودکان حق تحصیل دارند. آنها باید بتوانند به هیچ مانعی در مدارس به تحصیل بپردازند.

۵- اعمال خشونت بر کودکان تحت هر عنوان و توسط هر کس حتی پدر و مادر جرم عمومی تلقی شود و فرهنگ خشونت در مناسبات بزرگسالان و کودکان مورد نقد جنسی و عملی قرار گیرد

جمعیت تلاش برای جهانی شایسته کودکان

۱۶ مهر ۸۶

گزارش دوم از شهری

جمعیتی حدود ۸۰۰ نفر جمع شده اند. تلاش شده است که برنامه ها شاد و جذاب باشد. هدف برنامه ها آشنا کردن افکار عمومی با پدیده کار کودکان است. شعارها نیز در همین راستا است. برنامه ها در قالب سرود و نمایش و خواندن بخش هایی از پیمان نامه حقوق کودک توسط خود کودکان کار و خیابان است. تاکیدات ما بر لغو کار کودکان،

آمدن به محل است. در محل پلاکاردهایی نصب شده است که مضمون آنها اساسا در رابطه با گرامیداشت این روز، منع کار کودکان، آموزش رایگان برای همه کودکان و جهانی شایسته برای کودکان است. در گزارش بعدی گزارش کامل را به اطلاعات خواهیم رساند.

گزارش پنجم روز کودک در شهری

امروز ساعت ۴ عصر به دعوت جمعیت تلاش برای جهان شایسته کودکان در پارک لاله برگزار شده است. این مراسم تا ساعت ۶ است.

امروز در تمام دنیا مراسم روز جهانی کودک را جشن میگیرند. روز جهانی امسال را روز مبارزه برای جهانی شایسته کودکان و عاری از خشونت اعلام کرده اند و ما نیز برای همین امروز جمع شده ایم و این روز را گرامی میداریم. هنوز مراسم شروع نشده است و فعلا جمعیتی نزدیک ۳۰۰ نفری جمع شده اند و میدانیم که جمعیتی در راه است. امیدواری ما اینست که روزی باشد که آموزش، بهداشت برای همه کودکان رایگان باشد. و دنیایی عاری از جنگ و خشونت داشته باشیم. ما میگوئیم هیچگونه تبعیضی بر اساس مذهب، نژاد، قومیت نباید باشد و همه کودکان باید برابر باشند. ما میگوئیم باید کودکان مهاجر نیز حق تحصیل و یک زندگی انسانی را داشته باشند. در برنامه امروز ما بخشی را برای کودکان تدارک دیده ایم که سرود و اجرای نمایش است. و بخشی را برای توجه افکار عمومی به این روز و حقوق کودکان که جهانی است.

ما برای این روز قطعنامه ای تهیه دیده ایم که حتما بعدا آنرا خواهید دید. اما خطوط کلی آن اینست که اولا تبعیض جنسی، قومی و مذهبی نباید باشد. سایه جنگ باید روی سر جامعه و کودکان نباشد. شرایط تحصیل و آرامش

برای کودکان مهاجر فراهم شود. و کودکان مهاجر مورد حمایت جهانی قرار گیرند. کار کودکان باید ممنوع شود. کودکان از سن بسیار پایین به کار میروند و جسم و روحشان آسیب می بیند. باید خانواده این کودکان زیر پوشش تامین اجتماعی باشند. زیرا وقتی بیکاری هست، وقتی خانواده در فقر است، کودکان آنها

از صفحه ۷ جهانی دیگر باید ساخت

ناگزیر به بازار کار راهی میشوند و آسیب های جبران ناپذیری می بینند. امیدواریم که روزی این ها همه به قوانینی در حمایت از کودکان تبدیل شود. در عین حال ما اعلام میکنیم که اعدام کودکان و اساساً اعدام باید ممنوع شود.

مراسم روز جهانی کودک در پارک لاله تهران

گزارشی کوتاه از مراسم پارک لاله امروز به دعوت جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان جمعیتی حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر در پارک لاله مراسم به مناسبت روز جهانی کودک برگزار شد. در این مراسم سخنرانی هایی از سوی فعالین حقوق کودک ایراد شد. که در آن به حقوق کودک و ممنوعیت منع فوری کار کودکان اشاره شد. قطعنامه ای به مناسبت این روز تدارک دیده شده بود که در میان شرکت کنندگان پخش گردید.

قطعنامه مراسم جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان:

جهان بهتری باید ساخت! سراسر شادی و بازی برای کودکان عاری از استثمار و خوشبختی برای همگان!

۷ اکتبر (۱۶ مهر) روز جهانی کودک فرا رسیده است. روز جشن و شادی برای کودک، روزی که دوباره زور، پول و بوق و کرنای رسانه های رنگارنگ برای رنگ و لعاب زدن بر درو دیوار دنیا پرا از فجایع و ظلم خود ساخته میکوشند، حمایت

طرفداران حقوق کودک میندند و با یونیسف جام شادی مینوشند. نشان نوع دوستی و رعایت به سینه میزنند و در خطابه ها و بخشنامه ها و مصوبات رنگارنگ وعده و وعیدهای پر طمطراق و قشنگ میدهند. تنها يك روز و این کافی است!!!

با جشن های پر زرق و برق خواهان اکرام و خیرات و هدایا، اما تنها برای يك روز و این کافیست!!! همه چیز در این دنیا تغییر کرده است جز بنیاد آن. همه چیز افزوده با آهنگی چند باره استثمار، فقر، ذلت، فرودستی، مسکنت، و جنگ و خونریزی و بیخانمانی، گرسنگی، بیماری، مرگ و غیره و غیره برای بیش از ۹۰ درصد دیگر مردمان روزی مانند روزهای دیگر. همه چیز در این دنیا تغییر کرده است جز بنیاد آن. بنیادی که بر بستر بهره کشی انسان از انسان استوار است. در یکسو ثروت، پول و قدرت، البته اسلحه، کشتار، سرکوب و زندان و از سوی دیگر سهم کودک کار و افزایش ۲۶۵ میلیون کودک کار به بیش از ۴۰۰ میلیون در آمار رسمی است.

میلیون و ۴۰۰ هزار نفر یعنی ۱ نفر از هر تقریباً ۱۰۰۰ کودک است و این حکم بشر آزادیخواه انساندوست و سازش ناپذیر است که بشریت در همه عرصه ها علیه مسایل رو به ازدیاد، علیه استثمار، بردگی، تبعیض، جنگ، سلطه بی حقوقی و غیره پا به میدان گذاشته و با وجود ضربه هایی که متحمل میگردد در ایجاد تشکل و صفوف اعتراضی خود برخاسته و برخواستسته هایش پا میفشارد. جهان بهتری باید ساخت سراسر شادی و بازی برای کودکان، عاری از استثمار و پرا از خوشبختی برای همگان.

تامین اجتماعی کودک و پرداخت بیمه بیکاری بدون قید و شرط به خانواده ای که شرط عملی مهم برای لغو کار کودک است. بر اساس آخرین آمار آی ال او (سازمان جهانی کار) تعداد کودکان کار از مرز ۴۰۰ میلیون گذشت.

جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان آملی تاتر رویا پارک لاله ۱۶ مهر ۸۶

کمونیزم کارگری در این جنبشها حضور قدرتمند خود را دیده است. تاثیر و نفوذ سیاستها و جهت افق خود را در تمام زوایای جامعه میبیند و در صف اول این اعتراضات و برای تغییرات بنیادی در نظام و سیستم ظالمانه موجود ایستاده است.

اما نکته مهم و واقعیت خیره کننده در ایران این است که درست در سرزمینی که حکومت قرون وسطایی و ضد انسانی اسلامی حاکم است، مردم، کارگران، زنان و جوانان چاره را در زیر و رو کردن نظام و سیستم حاکم میبینند و با هزار زبان اعلام کرده اند که آلترناتیو خود را در سوسیالیسم می جویند. و این سوسیالیسم چین و شوروی بعد از شکست بلشویسم نیست، این سوسیالیسم منصور حکمت و کمونیزم کارگری است که اساساً در نقد این تجارب گذشته شکل گرفته و پاسخی است به معضلات دنیای امروز. مردم ایران میروند که این پاسخ را تجربه کنند. با همه این اوصاف، جنبش انقلابی مردم و در پیشاپیش آن جنبش کارگری نیروی قدرتمندی است که راه پیشروی خودش را پیدا کرده است و به پیش میروند. ما این را تضمین میکنیم.*

امروز برای بیش از نیمی از کودکان جهان روزی است مانند روزهای دیگر، خالی از شادی، هویت، تحصیل، تهیدستی، آزادی و امید به آینده و برای پدري که از بام تا شام به کارخانه و مزرعه و بندر زیر بار رنج کمر خسته است، شاید فرصتی است برای اندیشیدن به کودک رنجور و محروم از دنیایی شایسته کودکی و برای مادری که خود نیز فرصتی برای کودکی نداشته و تمام خاطراتش در قلمرو رنج کار آشپزخانه و آرزوی آسایش کودکان خویش گذشته و یا درد مهاجرت اجباری کوله بار بسته است، غم بار تر از روزی های دیگر است. در جهانی دیگر که کودکان آن این چنین در جنگ و مرگ و زندان سرگردانند. تعداد کودکان جهان که در فقر بسر میبرند يك ميليون نفر یعنی يك نفر از دو کودک، تعداد کودکان جهان که بدون مسکن مناسب هستند ۶۴۰ میلیون تقریباً يك نفر از هر سه کودک، تعداد کودکان جهان که از خدمات بهداشتی محرومند ۲۷۰ میلیون نفر یعنی ۱ نفر از ۷ کودک، تعداد کودکان جهان که بدلیل دسترسی به آب سالم می میرند يك

جنشهای دیگری است که در بالا به آن اشاره شد. هر چند خود اینها نماینده هیچ جنبشی نیستند اما شکست جنبشهای دیگر را منعکس میکنند. حقیقت این است که نه عقب نشینیهای رژیم اسلامی و نه شکست و منزوی شدن جنبش دوم خرداد و ناسیونالیسم پرو غرب اتفاقی نبوده است. اینها در يك جنگ و جدال اجتماعی به عقب رانده شده اند. همچنانکه شکست طلبان اخیر در اپوزیسیون اتفاقی و از سر نا آگاهی و با لابیگری نبوده و نیست که پرچم یاس و نا امیدی را برداشته اند. همه این تحولات در پس يك جدال عمیق اجتماعی اتفاق افتاده است. در چنین شرایطی چه جامعه، جنبش کارگری، جنبش برابری طلبانه زنان و جنبش جوانان و جنبش دفاع از حقوق کودک و حرکت عظیم انسانی علیه مجازات اعدام... بیش از همیشه نشان داد که کمونیستها لیاقت و توان و پتانسیل رهبری جامعه را دارند. این جنبشها اکنون بیش از همیشه خود را در صف حرکت و افق عظیمی شریک میدانند که تحولات قابل توجه سالهای گذشته را ممکن کرده است. بنابراین این حزب کمونیست کارگری بیش از همیشه با اعتماد به نفس و بی تخفیف پرچمدار و رهبری این جنبشها را وظیفه خود میدانند.

نفره در روز جهانی کودک در شهرهای تهران و سنج و اهواز و یزد و تبریز و پیرانشهر و کامیاران و دهها شهر دیگر ایران جواب محکمی به سیاستهای سرکوب رژیم اسلامی بود.

پرچم این مبارزات، شعارها و قطعنامه های آنها و قدرت سازماندهی و درایت فعالین این جنبشها يك بار دیگر جامعه را متوجه يك جنبش عمیقاً انسانی، رادیکال و سوسیالیستی کرده است. جنبشی که در جامعه در جریان است اکنون با مختصات ویژه خود جنبش سرنگونی طلبانه را هر چه بیشتر به يك جنبش انقلابی تبدیل کرده است. اگر در ابتدا و سالهای ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳ پرچم و شعار جنبشهای دیگر در این اعتراضات اینجا و آنجا قابل مشاهده بود، در سه سال اخیر اساساً این جنبش با نقد عمیق نظام سرمایه داری شناخته میشود. این جنبش با شعار سوسیالیسم یا بربریت، با سرود انترناسیونال، با نقد دنیای وارونه و با نقد ناسیونالیسم و فدرالیسم و مذهب خود را تعریف کرده است. شکست طلبان فکر میکنند اینها فقط "فاکت" های کم اهمیتی هستند و قابل اتکا نیستند!!!

واضح است که تحلیل شکست طلبان انعکاسی از شکست

از صفحه ۶ پاسخ محکم کارگران ...

سر عافیت طلبی و تئوریهایی آنچنانی بلکه از سر معضلات واقعی زندگی روزمره، مجبورند علیه حکومت فاشیست اسلامی مبارزه کنند راه مقابله با سیاست سرکوب را پیدا کردند. در این مبارزه واقعی به تئوریهای راهگشای کمونیستی و به منصور حکمت مراجعه کردند. این اتفاقی است که در مقابل چشم متحیر توام با وحشت سران حکومتی، در مقابل چشمهای نگران اصلاح طلبان حکومتی و راستها و همچنین چپ های خانه نشین و جغدهای کنونی جنبش انقلابی مردم در حال پیشروی است.

مهر ماه امسال و شعار دانشجویان در تهران که با صدای رسا اعلام کردند "مرگ بر دیکتاتور" و "حکومت فاشیست نمیخوایم" و... نقطه آغاز دور دیگری از تعمیق و به میدان آمدن جنبشهای اجتماعی را نشان میدهد. قبل از اعتراضات دانشجویان اعتصابات و اعتراضات قدرتمند کارگران هفت تپه و دیگر بخشهای کارگری فضای ملتهب جامعه را به همگان نشان داده بود. به میدان آمدن صف وسیع مدافعین حقوق کودک و مراسمهای چند هزار

نمایندگان خدا بکنند که سرمایه کارش را ادامه بدهد. قرار بود اینبار انرژی هسته ای همان سناریوی تسخیر سفارت آمریکا را در اذهان تداعی کند و نعمات دهه شصت را برای رژیم اسلامی داشته باشد. اما این حسابگرها از پایه غلط بود.

در همین ایام بود که جغدهای اپوزیسیون بر پام ویرانه هایی که این رژیم در جامعه ایجاد کرده بود شروع به خواندن کردند. تعدادی اعلام کردند جنبش سرنگونی شکست خورد. گفتند جنبش سرنگونی طلبانه مردم از همان اول هم رهبریش در دست جناح راست بورژوازی پرو غرب بوده و شکست خورده است. و البته همه اینها کشفیات تازه و کالاهایی بود که این چند سال اخیر به بازار آورده شد. تعدادی "رادیکالتز" اعلام کردند جنبشی به اسم جنبش سرنگونی آرزوهای چپ بوده واقعیت نداشته است، تعدادی که خیلی میخواستند در تحلیلشان "عمیق" شوند اعلام کردند اصلاً این ترم جنبش سرنگونی ضد مارکسیستی است و چاره در خانه نشین شدن همگان است ...

اما جامعه ای که در تب و تاب میسوزد و میلیونها مردمی که نه از

از میان سؤالات جلسات هفتگی حمید تقوایی

پوپولیسیم چیست؟ چرا
جداشدگان از حزب، حزب
شما را پوپولیست مینامند؟

این مطلب را ناصر احمدی
پیاده و تایپ کرده است.

حمید هادیان: من از جانب دوستی بنام نانا سئوالی دارم. نانا میپرسد که داستان پوپولیسم چیست که هم دوستان حزب حکمتیست و هم دوستان فراکسیون که اخیراً حزب اتحاد کمونیست کارگری را تشکیل داده اند به شما میگویند؟ و بنظر میرسد که این موضوع نکته اشتراک این دو گروه از جدا شدگان از حزب کمونیست کارگری باشد. لطفاً خود این لغت را معنی کنید و معنی سیاسی آنرا هم برایمان روشن کنید و اساساً اینکه چرا اینرا بشما میگویند؟

حمید تقوایی: بله درست است، یک وجه مشترک این دوستان اینست که بما پوپولیست میگویند! البته فقط هم این نیست بلکه فصل مشترکهای بیشتری دارند. این حزب اتحاد کمونیست کارگری از نظر مواضع و سیاستهایش جایی بین ما، بین حزب ما و حزب حکمتیست قرار گرفته و هر روز هم از ما دورتر و به آنها نزدیک تر میشود. به هر حال این خود بحث جداگانه ای است که باید در فرصت دیگری به آن پرداخت. اینجا در جواب به سئوال مشخص شما در مورد پوپولیسم و اینکه آنها چرا و به چه معنایی بکارش میبرند توضیحاتی میدهم.

پوپولیسم یک گرایش در چپ سنتی ایران بود و اساس و جوهر آن عبارت بود از حل کردن افق و منافع و سیاستهای سوسیالیستی طبقه کارگر در یک جنبش ملی- مذهبی، یا آنطور که خود پوپولیستها میگفتند جنبش عموم خلقی. این گرایش در مقطع انقلاب ۵۷ به چپ ایران کاملاً مسلط بود، و در آن دوره این فقط اتحاد مبارزان کمونیست بود که از لحاظ نظری و سیاسی به نقد آن پرداخت. اتحاد مبارزان در مبارزه با پوپولیسم توانست بطور

مستقل در ایران.

پوپولیستها این سیاست و هدف را در لفافه انقلاب دموکراتیک می پیچیدند. تئوریشان هم این بود که به این دلیل که جامعه ایران جامعه ای نیمه مستعمره و نیمه فئودالی است و یا سرمایه داری کمپرادور حاکم است و وابسته به آمریکا است و غیره انقلاب نمیتواند سوسیالیستی باشد و لذا دموکراتیک است. یعنی در واقع مبارزه و انقلاب پوپولیستها جنبشی علیه وابستگی و برای رشد سرمایه داری ملی و مستقل و تبدیل جامعه نیمه فئودال نیمه مستعمره به یک جامعه سرمایه داری بود و هیچ ربطی به امر و مبارزه طبقه کارگر و حتی آزادی و رفاه زحمتکشانی که بخشی از خلق محسوسشان میکردند، نداشت.

در ادبیات پوپولیستی، طبقه کارگر جای خودش را تماماً به خلق داده بود و فقط تا آنجایی که کارگر رجوع میشد که چیزی از این خلق باشد و در انقلاب خلقی برای رفع استعمار و موانع رشد سرمایه ملی و صنعتی شدن ایران، بعنوان بخش پیگیر این بلوک خلقی، نقش ایفا کند. در واقع پوپولیستها مبارزه طبقه کارگر را ضمیمه مبارزه بورژوازی برای استقلال و رشد صنعتی میکردند و این جوهر طبقاتی پوپولیسم بود.

این دیدگاه از اساس هیچ ربطی به مارکسیسم نداشت و ما همان موقع توضیح میدادیم که این ناشی از یک بدفهمی و یا ناهفمی نظری و تئوریک در مارکسیسم نیست، یک انحراف از مارکسیسم نیست بلکه کلاً جنبش طبقات دیگر تحت نام مارکسیسم و سوسیالیسم است. جنبش پوپولیستی اساساً جنبش خرد بورژوازی ای بود که در منگنه دیکتاتوری شاه و سرمایه های بزرگ له میشد و لذا اعتراضش را بدین شیوه بیان میکرد. این جنبش هیچ ربطی به جنبش کارگری و جنبش کمونیستی نداشت. منصور حکمت بعداً در بحثهای کمونیسم کارگری روشن کرد که این پوپولیسم یک انحرافی در جنبش چپ نیست بلکه اساساً جنبش طبقاتی دیگری است، بخش چپ جنبش ملی-مذهبی است، جنبش سرمایه های کوچک و خرد بورژوازی است که امرش را استقلال خودش و رشد سرمایه های خودش فارغ از رقابتهای سرمایه های جهانی در بازار داخلی و

صنعتی کردن ایران تشکیل میدهد. درست همانظوری که مائوئیسم در چین یک جنبش بود و در هیچ مقطع و مرحله ای ربطی به کمونیسم نداشت بلکه جنبشی بود برای استقلال و صنعتی کردن چین. و همانظوری هم که مبینیسم الان به همان هدف رسیده است، چین را مستقل و صنعتی کرده است اما تسمه از گرده کارگر میکشد و ارزاترین نیروی کار و شدیدترین استثمار را در چین سازمان داده است. این نوعی از کمونیسم و یا حتی اشتباه و انحرافی در مارکسیسم نیست، بورژوازی "مستقل و ملی" چین به قیمت استثمار وحشیانه طبقه کارگر جامعه را صنعتی کرده است و سری توی سرها در آورده است، و اساساً مائوئیسم هم چیزی جز این نیست و نبوده است.

اساساً پوپولیسم در سطح جهانی در دوره رشد مبارزات ضد استعماری و ورود جوامع فئودالی به عصر سرمایه پا میگردد. این جنبشهای ملی- ضد استعماری در این دوره خود را مارکسیست و کمونیست مینامند بخاطر اینکه بعد از پیروزی انقلاب اکثر بلشویسم و انقلاب کمونیستی در میان توده کارگران و زحمتکشان جهان، و همچنین در میان روشنفکران ناراضی طبقات دیگر، محبوبیت و اعتبار بسابقه ای پیدا میکند. میشود گفت بعد از انقلاب اکثر مارکسیسم مد میشود، و به عنوان بستر و ظرف اعتراض بخشهایی از بورژوازی و خرد بورژوازی به کار گرفته میشود. پوپولیسم یکی از این جریانات است، سوسیالیسم عربی و سوسیالیسم آفریقائی و غیره هم داشتیم. و امر همه اینها هم در نهایت جنگ علیه نیروهای استعمارگر و برای استقلال ملی و استقلال صنعتی بود. نقد اینها حداکثر به کمبدهای سرمایه داری بود و نه نقدی بر استثمار سرمایه داری.

در ایران هم همانطور که گفتیم پوپولیسم نقدهش به وابستگی به آمریکا و بورژوازی کمپرادور و موانع رشد سرمایه داری و عدم استقلال صنعتی و اقتصادی ایران بود. از نظر سیاسی هم نظرات و پراتیک پوپولیستها هیچ ربطی به سوسیالیسم و سیاستها و اهداف سوسیالیستی نداشت. امر پوپولیسم

در رادیکال ترین شکلش بسیج خلق برای تحقق استقلال ملی و رشد سرمایه های ملی بود. پوپولیسم در ایران در واقع بخش چپ آن جنبش ملی اسلامی ای بود که با روی کار آمدن جمهوری اسلامی پیروز شد و به مشروطه اش رسید. البته خیلی مفضلتر از اینها میشود در مورد پوپولیسم بحث کرد ولی فکر میکنم که جنبه های مهم پوپولیسم همینها بود که بطور فشرده توضیح دادم.

این دیدگاه در دوره انقلاب ۵۷ از اتحاد مبارزان کمونیست شکست خورد. منصور حکمت بویژه با بحث "اسطوره بورژوازی ملی و مترقی" و با بحث "سه منبع و سه جزو سوسیالیسم خلقی" این دیدگاه را در عمیقترین سطحش نقد کرد و کنار زد، و بدینصورت جنبش چپ ایران در آن دوره از پوپولیسم رد شد. اما این بدین معنی نیست که شما دیگر این گرایش را نمیبینید و این دیگر در هیچ جایی خودش را نشان نمیدهد! پوپولیسم به معنی سوسیالیسم در حرف، اما در عمل احاله کردن انقلاب سوسیالیستی به وقت گل نی، و به معنی مقهور جنبشهای اجتماعی طبقات دیگر شدن، هنوز وجود دارد و به این معنی اتفاقاً این دوستانی که ما را پوپولیست میدانند به پوپولیسم نزدیکند و نه حزب ما. من پائین تر توضیح خواهم داد که چرا و با چه استدلالی اینها ما را پوپولیست مینامند. این نکته را که باز کنیم معلوم خواهد شد واقعا چه کسی به پوپولیسم نزدیک است.

بحثی که حزب حکمتیست دارد اینست که سوسیالیسم زود است و مردم را رم میدهد و الان نمیشود سوسیالیسم را توی جامعه برد. رفقای فراکسیون سابق هم که اخیراً از حزب ما جدا شده اند و حزب خودشان را ساخته اند، آنها هم اعلام میکنند که سوسیالیسم سم است و لااقل تبلیغ توده ای و وسیع سوسیالیسم سم است و باید از آن احتراز کرد.

یک فرق اساسی دیگر ما با این دوستان جدا شده اینست که ما گرایش چپ و سوسیالیستی را در اعتراضات مردم مبینیسم و پرچمش را بلند میکنیم. ما با اتکا به نمونه های بسیار که در مبارزات کارگری و در سایر جنبشهای اعتراضی در

از میان سؤالات جلسات هفتگی حمید تقوایی

جامعه وجود دارد معتقدیم جرقه ها و بارقه ها و زمینه های يك اعتراض و نقد سوسیالیستی در جامعه در حال گسترش است و همه اینها نشان میدهد که انقلابی سوسیالیستی در راه است و حزب ما پرچمدار و دست اندر کار ساختن این انقلاب است. اما در مقابل ما

دوستان حزب حکمتیست این گرایش سوسیالیستی را نمی بینند آنرا انکار میکنند و معتقدند که چه ضعیف است و راست دست بالا را دارد و غیره. دوستان حزب اتحاد کمونیست کارگری هم معتقدند این گرایش سوسیالیستی که در اعتراضات مردم شاهدیم سوسیالیسم ما نیست. مثلاً میگویند که فلان سخنران و مبلغی که در يك گروهائی اعتراضی از سوسیالیسم صحبت کرده توده ای بوده است و این به سوسیالیسم منصور حکمت ربطی ندارد و غیره. در این میان این تنها حزب ما است که گرایش و نقد و اعتراض سوسیالیستی در جامعه را نمایندگی میکند و از خصلت چپ و رادیکال جنبش سرنگونی و امکان تبدیل و ارتقای این جنبش به يك انقلاب سوسیالیستی حرف میزند.

بنظر ما انقلاب سوسیالیستی از آسمان نازل نمیشود بلکه در ادامه، و با رشد و ارتقای اعتراضات و جنبشهای اعتراضی ای که امروز در جامعه در حال جریان است شکل خواهد گرفت. ما معتقدیم جنبشهای اعتراضی موجود مثل جنبش آزادی زن و اعتراض به حجاب و آپارتاید جنسی، جنبش جدایی مذهب از دولت، جنبش خلاصی فرهنگی جوانان و جنبش دانشجویی، جنبش علیه اعدام و سنگسار و غیره همه اینها در مضمون خود علیه حکومت و سرنگونی طلبانه اند. و در همه این اعتراضات کمونیسم کارگری میتواند و باید نقش رهبر و پیشرو این جنبشها را ایفا کند. بعبارت دیگر میتوان و باید نقد و اعتراض این جنبشها به وضع موجود را تا سطح يك نقد رادیکال سوسیالیستی تعمیق کرد و ارتقا داد. این هم کلید کسب رهبری در این جنبشها است و هم در نتیجه کلید تبدیل این جنبشها به اجزای يك انقلاب کارگری و

تحلیل نیست چرا که وقتی در روز کودک و در دفاع از حقوق کودک نزدیک به هزار نفر در تهران جمع میشوند و بیانیه ای میدهند و میگویند که مانع اصلی آزادی کودک همین نظام سرمایه داری است، و اعلام میکنند که برای آزادی کودک باید این جهان وارونه را تغییر داد، و یا در خیابانها و از جمله در تجمع هزاران معلم معترض در تهران شعار سوسیالیسم برای رفع تبعیض را بلند میکنند، این شواهد و دهها نمونه دیگر از این قبیل خود نشاندهنده خصلت سلبی و انتقادی سوسیالیسم و قابلیت توده گیر شدن آنست. بهمین اعتبار ما در آخرین کنگره حزب اعلام کردیم که گرایش سوسیالیستی يك گرایش قوی و رو به رشد در جنبشهای اعتراضی مردم است. و حزب ما نماینده و پرچمدار آن است.

این ما هستیم که داریم رگه ها و بارقه ها و جرقه های انقلاب سوسیالیستی را در ایران میبینیم و آنرا پاس میداریم و بزرگش میکنیم و شعله ورش میسازیم و شعار و زیر نویس اعلامیه ها و بیانیه ها و اطلاعیه ها و قطعنامه هایمان میکنیم و بنویسه خودمان آنرا بیشتر و بیشتر به درون جامعه میبریم تا آن حرکت رادیکال و چپی که ۴ سال پیش مشاهده کردیم هرچه عمیقتر و وسیعتر شود، کما اینکه الان هم میبینیم که بسیار وسیعتر و عمیقتر هم شده است، و ما روی این واقعیات است که به سوسیالیسم متکی میشویم و سوسیالیسم را طرح میکنیم.

اما دوستان ما در این دو حزب یا واقعیات را نمیبینند و یا آنرا تخطئه میکنند و کوچک میشمارند، و در هر حال خودشان را نماینده اش نمیدانند و میگویند که این سوسیالیسم ما نیست و بنا مربوط نیست و غیره! آنتی پوپولیستهای نوظهور ما خود با پرچم کلاسیک پوپولیسم به جنگ ما آمده اند. با پرچم سوسیالیسم زود است و نمیشود و رم میدهد و سم است.

وقتی به ما پوپولیست میگویند به دلیل تاکید ما بر ضرورت و قابلیت توده گیر کردن سوسیالیسم در همین جنبشهای جاری و حرکات اعتراضی موجود

است. بخاطر مبارزه ما برای سازماندهی و رهبری انقلاب سوسیالیستی نه بعد از فروپاشی و بعد از جمهوری اسلامی بلکه همین امروز و بر علیه جمهوری اسلامی است. بخاطر آنست که آنتی پوپولیستهای نوظهور ما مانند پوپولیستهای کلاسیک، به سوسیالیسم قسم میخورند اما عملاً سوسیالیسم را از دستور روز خود و جامعه خارج کرده اند.

به ما میگویند پوپولیست چونکه ما میگوییم که مردم، اکثریت مردم، میتوانند نیروهای انقلاب سوسیالیستی باشند، چرا که ما میگوییم در انقلاب سوسیالیستی صرفاً کارگران به خیابان نمی آیند، بلکه اکثریت عظیم دردمند و زحمتکش جامعه میتوانند و باید به صف انقلاب سوسیالیستی به پیوندند. چرا که ما میگوییم سرمایه و بربریت سرمایه داری فقط در کارخانه ها و علیه طبقه کارگر نیست، بخش عظیم مردم جامعه را در چنگال خود میفشارد و به همین خاطر از لحاظ عینی طبقه کارگر قادر به بسیج این اکثریت عظیم در انقلاب علیه سرمایه هست و باید چنین کند. بدون تحقق این امر اساساً انقلاب سوسیالیستی ای در کار نخواهد بود. طبقه کارگر میتواند و باید چشم انداز و افقش را توده گیر کند، در جامعه هژمونی کسب کند و جامعه را بدنبال اهداف و سیاستهای خود بسیج کند و به حرکت در آورد. یا بعبارت دیگر انتقاد و اعتراض جنبشهای حق طلبانه و جنبش آزادی زن و جنبش جوانان و برای خلاصی فرهنگی و برای زندگی مدرن و انسانی، و جنبش سکولاریستی برای جدایی مذهب از دولت و غیره، را به نقد و اعتراضی سوسیالیستی نسبت به این مصائب و دردها بدل کند. میتوان این کار را کرد چون ریشه همه این مصائب سرمایه است.

این ضرورت برافراشتن سوسیالیسم در جنبشهای اعتراضی و آزادخواهانه بخشهای مختلف مردم بخصوص امروز، در دوره ای که سرمایه داری افسار گسیخته بازار آزاد در دنیا بیدار میکند، بیش از پیش خود را نشان میدهد و به امری عاجل تبدیل میشود.

کدام لیبرال و دمکراتی را حتی در اپوزیسیون حکومت بورژوازی سراغ دارید که بگوید مذهب

ارتجاعی است و باید از زندگی اجتماعی مردم جمع شود و جارو شود! و بگوید که مذهب باید از آموزش و پرورش و از دانشگاه جدا باشد! قضیه برعکس است، هرکجا که اینها حرف میزنند و فعالیت میکنند در واقع دارند به مذهب آوانس میدهند و مذاهب مختلف را بر اساس تئوریهای ارتجاعی نسبت فرهنگی و مالتی الکالجرالیسم در ساختمان جامعه وارد میکنند.

دیدیم که در همین جوامع غربی چگونه نیروهائی که خود را لیبرال و حتی چپ میدانند در مدارس به مذهب جا میدهند، به مساجد و مدارس اسلامی بوجه تخصیص میدهند، و حتی در کشورهای غربی میخواهند دادگاه های اسلامی را تثبیت کنند که اگر ما نبودیم و در مقابلشان نجنبیده بودیم اینکار را در کانادا کرده بودند. در این وضعیت چه کسی بطور پیگیر میتواند سکولاریسم را نمایندگی کند و بلندگو و صدایش باشد و اهداف آنرا پیش ببرد؟ بنظر من این نیرو فقط سوسیالیسم و کمونیسم کارگری است. همین امروز ما داریم با کمپین اکس مسلم، در اروپا بلند گوی سکولاریسم میشویم. ما پرچم سکولاریسم، حقوق کودک و مدنیست را حتی در کشورهای غربی بر افراشته ایم. این مبارزه ما در سطح جهانی و در ایران جدا از مبارزه ما برای سازماندهی انقلاب سوسیالیستی علیه جمهوری اسلامی نیست. کمونیستها بخش چپ و یا پیگیر جنبشهای اعتراضی نیستند بلکه رهبر و سازمانده این جنبشها هستند و یا بهتر است بگویم بالقوه میتوانند باشند و کار حزبی مثل ما اینست که این امکان را بالفعل کنیم.

اگر ما میگوییم سوسیالیستها در هر حرکت حق طلبانه ای باید شرکت کنند و پرچمش را بدست بگیرند و رهبریش کنند، این جزئی از امر سوسیالیستی ما و زمینه سازی برای انقلاب سوسیالیستی است. انقلاب يك امری نیست که در يك روز چهارشنبه از آسمان نازل شود. اینجور نیست که بگوییم اعتراضات اجتماعی در جامعه راه خودش را میبرد و انقلاب هم راه خودش را! خیلی روشن است که اینها کاملاً بهم مربوطند. خیلی روشن است که وقتی در تجمعات اعتراضی

روز جهانی مبارزه علیه اعدام به یاد ماندنی شد!

مبارزه برای لغو مجازات اعدام در جهان گسترش میابد. ۱۰ اکتبر روز جهانی مبارزه علیه اعدام بیاد ماندنی شد. تشکیلات خارج کشور

حزب کمونیست کارگری تا کنون فعالیت های گسترده ای علیه مجازات اعدام و برای توقف احکام اعدام در ایران داشته است. از جمله

در ماه گذشته، در ۷ سپتامبر نیز در پاسخ به فراخوان زندانیان سیاسی برای توقف اعدام ها در ایران، اقدامات گسترده ای را انجام داد که

گزارشات آنرا پیشتر به اطلاع رساندیم. اینجا توجه شما را به خلاصه ای از

آکسیونها علیه اعدام در کشورهای مختلف در روز ۱۰ اکتبر (۱۸ مهر) جلب میکنیم.

سوئد - گوتنبرگ: راهپیمائی با شکوه علیه مجازات اعدام برپا شد

بمناسبت روز جهانی علیه اعدام چهارشنبه ۱۰ اکتبر، راهپیمائی بر علیه مجازات اعدام (قتل عمد دولتی) در پر ترددترین خیابان شهر گوتنبرگ سوئد برگزار شد. این راهپیمائی به فراخوان حزب کمونیست کارگری، کمیته بین المللی اعدام و فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، برگزار شد. در روز های قبل از برگزاری این تظاهرات بسیاری از رادیوهای محلی شهر گوتنبرگ بخش مهمی از برنامه های خود را به مسئله اعدام اختصاص داده بودند و در این رابطه بحث های زیادی مطرح شد. از جمله کادریهای حزب سوسن صابری، نوید مینائی، عبدالله اسدی و بهروز مهرآبادی در برنامه های مختلف رادیویی شرکت کرده و در باره غیرانسانی بودن مجازات اعدام صحبت کردند. مسئله اعدام و سرکوب ها و جنایات جمهوری اسلامی در چند روز اخیر وسیعاً در بین ایرانیان مطرح و مورد بحث بود.

راهپیمائی ۱۰ اکتبر در فضائی پرشور انجام شد. صف تظاهر کنندگان از میدان مرکزی شهر (گوستاوادولف) به طرف یوتا پلاتسن به راه افتاد و شعارهایی علیه مجازات اعدام و بر علیه جمهوری اسلامی همراه با ضربات طبل در خیابانی که مملو از جمعیت بود طنین افکند. نور مشعل هایی که در دست شرکت کنندگان بود به باندرول هایی که تظاهر کنندگان به همراه داشتند، جلوه خاصی داده بود. بر این باندرول ها شعارهایی در محکومیت مجازات اعدام در سراسر جهان و ایران و با خواست هایی همچون آزادی زندانیان سیاسی و سرنگونی جمهوری اسلامی، نقش بسته بود.

در طول راهپیمائی بسیاری از مردم خیابان به صف تظاهرات پیوسته و شعار های اعدام را در ایران و جهان متوقف کنید، مرگ بر

جمهوری اسلامی، نه به اعدام و نه به سنگسار را تکرار می کردند. بیش از ۲۰۰ نفر در این راهپیمائی شرکت کرده و تعداد زیادی از مردم در پیاده رو ها شعار ها را تکرار می کردند. در طول راهپیمائی صدها نسخه از اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران و پیام مینا احدی به مناسبت روز جهانی علیه اعدام بزیان سوئدی و همچنین تراکتی در محکومیت سیاست مماشات جویانه دولت سوئد نسبت به احکام اعدام در ایران، در بین مردم توزیع گردید. رادیوی دانشجویان سوئد و رادیوی فارسی زبان محلی البرز ضمن مصاحبه با شرکت کنندگان از این راهپیمایی گزارش تهیه کردند.

در تجمع پایانی راهپیمائی، سوسن صابری، میترا ایرانی، عبدالله اسدی سخنرانی کردند و جلال شرفزاده یکی از سروده های خود را برای مردم خواند. سپس بهروز مهرآبادی از طرف فراخوان دهندگان راهپیمائی از تظاهرنکنندگان تشکر کرد و خاتمه تظاهرات را اعلام نمود.

سوئد - استکهلم: آکسیون و سمینار برگزار گردید

از چند هفته پیش از ۱۰ اکتبر فعالین کمیته بین المللی علیه اعدام و تشکیلات حزب کمونیست کارگری در شهر استکهلم به اتفاق اقدام به تدارک برای سازماندهی آکسیون ۱۰ اکتبر کردند. منوچهر ماسوری چهره سرشناس مبارزه علیه اعدام، با حضور در رادیوهای فارسی زبان شهر، توجه مردم را به این روز جلب کرد و اهمیت شرکت آنها در اعتراضات جهانی علیه اعدام را توضیح می داد.

بعد از ظهر چهارشنبه ۱۰ اکتبر سمیناری تحت عنوان "ایران، کشور اعدام هرروزه" به ابتکار کمیته بین المللی علیه اعدام و حزب مردم سوئد در مجلس سوئد برگزار شد.

در این سمینار فیلمی در باره سرکوبها و اعدام ها در ایران که توسط غلام اکبری تهیه شده بود به نمایش گذاشته شد. همچنین پیا

اطیابی فعال کمیته بین المللی علیه اعدام در این سمینار در باره اعدام در ایران سخنرانی کرد و در پانل به سؤالات حاضرین پاسخ داد. همزمان از ساعت ۴ بعد از ظهر در بیرون مجلس میزاطلاع رسانی و نمایشگاه عکسی که شامل عکسهای تکانهنده از صحنه اعدامها در انظار عمومی را در ایران نشان می داد برپا گردید. در شروع برنامه اطلاعیه کوتاهی به زبان سوئدی که رفتار وحشیانه رژیم اسلامی با مردم ایران، بویژه اعدامهای اخیر را توضیح می داد، توزیع شد. بمرور مردمی که به منظور شرکت در آکسیون آمده بودند، تجمع کردند و آکسیون در ساعت ۵ با حضور جمع قابل توجهی از مردم آزادیخواه این شهر شروع شد. شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی و زندانی سیاسی آزاد باید گردد به صورت درشت و به زبانهای فارسی و سوئدی بر روی پارچه نوشته شده بود. مردم دهها پلاکاره را که تصاویری از صحنه های اعدام را نمایش می داد در دست داشتند.

افسانه وحدت برای مردم در مورد هدف آکسیون ۱۰ اکتبر و درمورد سرکوب مبارزات مردم توسط رژیم آدمکش جمهوری اسلامی و همچنین مجازات وحشیانه اعدام در ایران صحبت کرد و از مردم خواست که طومار در محکومیت اعدام و جمهوری اسلامی را امضاء کنند.

سیمای بهاری ضمن توضیح روز ۱۰ اکتبر روز جهانی لغو مجازات اعدام در سراسر جهان، هدف از موج اخیر اعدامها در ایران را مرعوب کردن مردم ایران و نشانه ترس و وحشت رژیم اسلامی از مبارزات مردم دانست. سپس پیام مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام بمناسبت ۱۰ اکتبر که به زبان سوئدی ترجمه شده بود توسط افسانه وحدت خوانده شد. سخنران بعدی سیامک بهاری بود و در باره اینکه چرا مجازات اعدام قتل عمد دولتی است و عملی شایع و ضد انسانی

است و باید در سراسر جهان ملغی شود، توضیحاتی داد.

انگلیس - لندن: افشاکری از جنایات جمهوری اسلامی

روز چهارشنبه ۱۰ اکتبر، مرکز لندن شاهد یک افشاکری وسیع از جنایات جمهوری اسلامی ایران بود. میدان ترافالگار، یکی از شلوغ ترین میدانهای لندن، از ساعت ۱ تا ۶ بعد از ظهر به محلی برای نمایش عکس هایی از اعدام شدگان در ایران و مکانی برای افشای جنایات جمهوری اسلامی تبدیل شد.

با وجود محدودیتهای زیاد از طرف شهرداری لندن برای برگزاری نمایشگاه عکس، فعالین حزب کمونیست کارگری ایران با ترتیب دادن یک نمایشگاه سیار در مورد جنایات جمهوری اسلامی و اعدامها در ایران، در مورد روز جهانی علیه اعدام و ضرورت لغو مجازات اعدام در دنیا با عابرین به گفتگو پرداختند و صدها برگ اطلاعیه در مورد جنایات جمهوری اسلامی را بین مردم پخش کردند.

تعداد قابل توجهی از مردم پیشینی را که در آن لغو مجازات اعدام خواسته شده بود را امضا کردند و در حمایت از این اقدام کمک مالی کردند.

فنلاند - تامپره: نمایشگاه عکس و میز اطلاع رسانی

۱۰ اکتبر، چادر، میز اطلاعاتی و نمایشگاه عکس از اعدامهای اخیر در ایران، در مرکز شهر تامپره برپا گردید. این برنامه از ساعت ۱۲ ظهر الی ۶ عصر ادامه داشت. اطلاعیه های کمیته بین المللی علیه اعدام به زبانهای انگلیسی، فنلاندی و فارسی، توسط فعالین علیه اعدام در میان مردم توزیع گردید و مردم رهگذر در محل چادر، در محکومیت مجازات اعدام، پتیشن مربوط به آن را امضا کردند. عکسهای مربوط به جنایات رژیم در ماههای اخیر، دور تا دور چادر نصب

شده بود و شعارهای مختلفی چون (اعدام قتل عمد دولتی است، جمهوری اسلامی باید از جامعه بین المللی طرد و اخراج شود، جمهوری اسلامی رژیم قتل، کشتار، سنگسار، زندان و شکنجه در معرض دید قرار داشت. در طول برنامه، فعالین حزب و کمیته بین المللی علیه اعدام با مردمی که برای دیدن نمایشگاه عکس اعدامها در ایران از آن بازدید میکردند، پیرامون جنایت رژیم اسلامی و سیاست مماشات جویانه دولتهای غربی در برخورد به رژیم اسلامی، صحبت کردند.

نروژ - اسلو: غرفه اطلاعاتی و نمایشگاه عکس

به مناسبت روز جهانی علیه اعدام غرفه اطلاعاتی حزب کمونیست کارگری و کمیته بین المللی علیه اعدام با پوسترهایی از شکنجه و اعدام در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، در مرکز شهر اسلو به مدت ۴ ساعت مورد بازدید صدها نفر قرار گرفت. بازدیدکنندگان با امضای طوماری اعمال وحشیانه جمهوری اسلامی را محکوم کرده و خواستار توقف مجازات اعدام در ایران و جهان می شدند. در این روز صدها اعلامیه از طرف حزب و کمیته بین المللی علیه اعدام در میان بازدیدکنندگان و عابرین پخش شد.

یاد آوری میشود که شنبه ۶ اکتبر نیز غرفه اطلاعاتی و نمایشگاه عکس در مقابل پارلمان نروژ در مرکز شهر اسلو برگزار شد. این نمایشگاه که با عکسهایی از اعدامهای وحشیانه رژیم اسلامی حاکم بر ایران در طول حاکمیت منحوسش و بخصوص اعدامهای اخیر و همچنین تراکتهایی در محکومیت احکام اعدام در ایران و در کشورهایی که هنوز مجازات اعدام اجرا میشود، تزئین شده بود. غرفه و نمایشگاه عکس در طول چهار ساعت مورد بازدید صدها نفر

از صفحه ۱۱

چادر اطلاعاتی دیدن نمودند. هزاران نسخه نشریه آلمانی به همراه اطلاعیه های حزب و کمیته علیه اعدام در میان مردم توزیع گردید. ابتکار جالب دیگر تهیه طومار ۲ در ۴ برای جمع آوری امضا در محکومیت جمهوری اسلامی بود. این طومار بزرگ در پیاده رو محل برگزاری پیکت بر روی زمین پهن شده بود و مردم آنرا امضا میکردند. تعداد قابل توجهی از کارها و فعالین حزب که در محل حاضر بودند به سوالات مردم پاسخ میدادند و با آنها به بحث میپرداختند.

یک تیم خبرنگار از روزنامه "فرانکفورتر روند شاو" یکی از پرتیراژترین روزنامه های آلمان برای تهیه عکس و گزارش در محل حاضر شده و بمدت ۴۰ دقیقه مشغول تهیه گزارش و عکس شد. این روزنامه با شهناز مرتب نیز مصاحبه ای انجام داد که در شماره امروز خود همراه به عکس هایی از این نمایشگاه و صحنه های اعدام در ایران بجای رسانده است.

لازم به یادآوری است که میزهای اطلاع رسانی که از ۷ سپتامبر تا روز ۱۰ اکتبر توسط فعالین حزب در فرانکفورت برپا شد، هزاران بازدید کننده داشت.

علاوه بر برنامه های فوق، تظاهرات های دیگری در کشورهای مختلف از سوی برخی گروهها و سازمانهای مختلف انجام شده است. از جمله تظاهراتی توسط فدراسیون در لوگزامبورگ برپا شد و در بروکسل به فراخوان امنستی میتینگ در مقابل سفارت جمهوری اسلامی برگزار شد. در مالمو نیز تظاهراتی به فراخوان مشترک فدراسیون پناهندگان ایرانی و دو نهاد دیگر به این مناسبت برپا شد.

پرتوان یاد مبارزه برای لغو مجازات اعدام در سراسر جهان
گسترده باد همبستگی جهانی برای لغو احکام اعدام در ایران
مرکب بر جمهوری اسلامی ایران

تشکلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ اکتبر ۲۰۰۷

تفاوتهای ما با دوستان جدا شده از حزب است و همین سیاست و جهت گیری در واقع بیانگر تمایز اساسی ما با پوپولیسم در اشکال کلاسیک و نوظهور آن هم هست.*

آلمان - برلین: میز اطلاعاتی برپا شد

در برلین فعالین حزب با برپایی میزهای اطلاعاتی اقدام به آتشکاری بر علیه جنایات جمهوری اسلامی نمودند. در این برنامه دهها نسخه نشریات حزب ویژه مجازات اعدام بزبان آلمانی در میان جمعیت توزیع گردید که مورد استقبال مردم واقع شد. همچنین نمایشگاه عکسی از جنایات جمهوری اسلامی برپا شد که توجه عابریین را به خود جلب نمود. مردم با مراجعه به میزها با فعالین حزب در مورد اعدام ها به گفتگو پرداختند.

آلمان - کلن: پیکت و نمایشگاه عکس برگزار گردید

در شهر کلن از ساعت ۵ بعدازظهر پیکت اعتراضی و میزاطلاعاتی به همراه نمایشگاه عکس در مرکز شهر برگزار شد. در این برنامه صدها نسخه از نشریات و اطلاعیه های حزب در میان مردم توزیع گردید. شرکت کنندگان در این پیکت با سردادن شعارهایی بر علیه جمهوری اسلامی توجه عابریین را به جنایات جمهوری اسلامی ایران و اعدام های اخیر جلب نمودند. در ادامه این حرکت رادیو فردا با مینا احدی مسئول کمیته علیه اعدام مصاحبه نمود. این پیکت با استقبال مردم روبرو شد. مردم با دیدن عکس های جنایات رژیم با فعالین حزب به بحث و گفتگو پیرامون مسائل ایران پرداختند.

آلمان - فرانکفورت: هزاران نفر از میزهای اطلاعاتی بازدید کردند

در روزجهانی علیه اعدام پیکت اعتراضی باشکوهی توسط واحد حزب در این شهر برگزار شد. از ساعت ۱۲ ظهر فعالین حزب اقدام به برپایی نمایشگاه بزرگ عکس از جنایات جمهوری اسلامی نمودند. دهها عکس و پلاکارد به همراه شعارهای پارچه ای جلوه خاصی به این برنامه داده بود و استقبال بی نظیری از جانب مردم بعمل آمد. در این روز صدها نفر از میز و

عنوان عملی وحشیانه و اینکه این عمل يك قتل عمد دولتی است و بعنوان يك حربه در دست حاکمان برای سرکوب مردم، به عنوان جنایت برنامه ریزی شده نظام سرمایه داری و به عنوان "راه حل" غیر انسانی، صحبت کردند. در این سخنرانی ها به موارد مشخصی چون عاطفه رجبی و مواردی که در نامه های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام در ایران آماده بود اشاره شد. علاوه بر این، عده ای از عابریین توقف کرده و به سخنرانی ها گوش می دادند و طومار اعتراضی را امضاء می کردند.



آلمان - برمن: مارش اعتراضی

طبق برنامه از پیش اعلام شده واحد حزب در برمن، مارش اعتراضی علیه مجازات اعدام را از ساعت ۲ بعد از ظهر شروع کرد. فعالین حزب در مرکز شهر برمن چادر اطلاعاتی و پوستر هایی علیه اعدام برپا کرده و اطلاعیه های علیه مجازات اعدام را توزیع کردند. صدها نسخه از بولتن اطلاعاتی به زبان آلمانی به همراه اطلاعیه ها و نوشته های دیگری علیه مجازات اعدام بین مردم شهر توزیع شد. این مارش اعتراضی با استقبال مردم روبرو شد.

سازمانهای "دکولرس" و "قراوون بوخ لادن" از این آکسیون حمایت کردند. ماهنامه سازمان بوخ لادن که در ایالت نیدر زاکسن توزیع میشود با ژیلدا حقوق و زهره باقری در مورد نقص حقوق زنان و وضعیت امروز زنان در ایرا ن مصاحبه کرد.

سوسیالیستی همین امروز، تاکید بر ضرورت توده ای کردن نقد و اعتراض سوسیالیستی در سطح جامعه و در دل مبارزات و جنبشها و مبارزات جاری اقشار مختلف مردم، شکل

کریگ از طرف گروه هیچکس غیر قانونی نیست، پشت میکروفن قرار گرفته و علیه اعدام سخنرانی کردند. آنها ضمن محکومیت جمهوری اسلامی ایران خواهان پایان دادن به اعدام در ایران و سراسر جهان شدند. راهپیمایی ۱۰ اکتبر با وجود هوای بد و بارندگی به مدت ۲ ساعت در فضائی پرشور انجام شد. در طول میتینگ صدها نسخه از اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در ارتباط با محکومیت جمهوری اسلامی بخاطر اعدام و کشتار هزاران نفر در بین مردم توزیع گردید.

روز چهارشنبه میتینگ و تظاهرات با شکوهی در مرکز شهرتورتو به فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران و همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در کانادا برگزار شد. تظاهرات کنندگان با پلاکاردها و بنرهای بزرگ به زبانهای انگلیسی و فارسی که شعارهایی از قبیل: اعدام در ایران و جهان متوقف کنید، مرگ بر جمهوری اسلامی، نه به اعدام، ما را یاری کنید تا اعدام در ایران را متوقف کنیم بر آنها نوشته شده بود توجه عابریین را به خود جلب می کردند. بسیاری از عابریین برای خواندن شعارها و شنیدن سخنان جمشید هادیان، اعدام این شنیعترین قتل عمد دولتی، دقایقی میتینگ را همراهی و سپس با اعلام همبستگی، محل را ترک می کردند.

ونکوور: آکسیون اعتراضی بر گزار شد

چهارشنبه ۱۰ اکتبر ۲۰۰۷ بمناسبت روز جهانی مبارزه برای لغو مجازات اعدام، آکسیون اعتراضی در ونکوور کانادا برگزار شد. دهها تن از فعالین سیاسی - اجتماعی شهر، فعالین حزب کمونیست کارگری ایران، فدراسیون پناهندگان ایرانی و فعالین سیاسی دیگر در این حرکت اعتراضی علیه اعدام و برای ریشه کن کردن مجازات اعدام شرکت کردند.

در این آکسیون نمایشگاه عکس برپا شد و تعدادی از فعالین حزب و مخالفین مجازات اعدام نیز سخنرانی کردند. تعداد زیادی اطلاعیه های حزب و نامه مینا احدی در بین عابریین و علاقه مندان توزیع شد. از جمله سخنرانان این مراسم عباس ماندگار، شهلا سرابی، ارژنگ سپاسی و زری اصلی بودند. سخنرانان در تقبیح مجازات اعدام به

قرار گرفت. بازدیدکنندگان انزجار خود را از اعمال وحشیانه و قرون وسطائی رژیم اسلامی بر علیه مردم ایران ابراز میداشتند و از افشاگریها و فعالیتهای ما پشتیبانی می کردند و پتیشن خواست توقف مجازات اعدام را امضا می کردند. در طول این روز صدها نسخه پرشوردر معرفی کمیته بین المللی علیه اعدام و اطلاعیه هایی از طرف حزب در ارتباط با روز جهانی علیه اعدام در میان بازدیدکنندگان و عابریین توزیع شد.

تورتو: میتینگ و راهپیمایی

روز چهارشنبه میتینگ و تظاهرات با شکوهی در مرکز شهرتورتو به فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران و همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در کانادا برگزار شد. تظاهرات کنندگان با پلاکاردها و بنرهای بزرگ به زبانهای انگلیسی و فارسی که شعارهایی از قبیل: اعدام در ایران و جهان متوقف کنید، مرگ بر جمهوری اسلامی، نه به اعدام، ما را یاری کنید تا اعدام در ایران را متوقف کنیم بر آنها نوشته شده بود توجه عابریین را به خود جلب می کردند. بسیاری از عابریین برای خواندن شعارها و شنیدن سخنان جمشید هادیان، اعدام این شنیعترین قتل عمد دولتی، دقایقی میتینگ را همراهی و سپس با اعلام همبستگی، محل را ترک می کردند.

فروغ ارغوان نامه ای اعتراضی که از طرف دو رهبر اتحادیه های کارگری کانادا برای پایان دادن به اعدام در ایران نوشته شده بود را، برای شرکت کنندگان قرائت کرد. پس از آن ایرج رضایی از طرف حزب کمونیست کارگری، عصام شکری از طرف حزب کمونیست کارگری چپ عراق، یدی محمودی از طرف فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، علی مشرف یکی از فعالین چپ افغانستان، مصطفی لو عضو شورای نجات کنگره همبستگی ایرانیان،

از میان سئوالات جلسات هفتگی حمید تقوایی

دارد نضج میگیرد و نیرو جمع میکند. خلاصه کنم تاکید بر انقلاب

سرود انترناسیونال میخوانند و بنرهای سوسیالیستی بلند میکنند این انقلاب سوسیالیستی است که